

همکاری‌های باکو و ریاض در پیشبرد پان آدریسم

احمد کاظمی *

دکترای حقوق بین الملل

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۵/۲۲

چکیده

عربستان سعودی به دلیل سرخوردگی از شکست‌های منطقه‌ای، رویکرد خصمانه علیه ایران اتخاذ کرده است. ریاض به موازات ابزارهای متعدد، به دنبال تفرقه‌ی قومی از جمله در مناطق آذری نشین است. اصرار بر ایجاد هویت مغایر با واقعیات تاریخی و تعریف رویکردها بر اساس آن، وجه مشترک میان باکو و ریاض در قبال ایران است. آل سعود که سابقه‌ی بیش از دو دهه همکاری امنیتی با آذربایجان برای توسعه‌ی وهابیت در این کشور را دارد، با آگاهی از اقدامات مشترک باکو، تل آویو و واشنگتن در ترویج پان آدریسم، تلاش دارد فعالیت‌های قومی ضد ایرانی را تقویت کند. ابعاد همکاری باکو و ریاض از جمله تأمین مالی گروه‌های قوم‌گرا، ایجاد کانال‌های قوم‌گرا در فضای مجازی، جذب فعالان تجزیه طلبی، القای رسانه‌ای وجود مسأله‌ی قومی در ایران، تبدیل نمادهای ورزشی به سمبول‌های واگرایی قومی را شامل می‌شوند. در سفرهای الهام‌علی‌اف به عربستان در سالهای ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ش، ریاض که تجربه‌ی طولانی در تسلیح گروه‌های تجزیه طلب و تروریستی دارد، بر تزریق پول به اقتصاد جمهوری آذربایجان در قبال همکاری باکو در مسأله‌ی قومیت‌گرایی تأکید کرده است. دیدار صالح ایلدیریم رییس‌گروه گائیپ با ملک سلمان مؤید این ادعاست. این مقاله با بهره‌گیری از نظریه‌ی سازه‌انگاره‌ی الکساندر ونت که هویت دولت‌ها را تعیین‌کننده‌ی سیاست خارجی آنها می‌داند، تأکید می‌کند که ریاض هزینه‌ی سیاست‌های غلط خود را با شکست‌های متعدد داده و این روند ادامه دارد و مشارکت جمهوری آذربایجان در این روند می‌تواند تبعات منفی بر یکپارچگی این کشور کثیرالمله بگذارد.

واژگان کلیدی: جمهوری آذربایجان، عربستان سعودی، پان آدریسم، ایران، تفرقه‌ی قومی

مقدمه

ریشه های پان ترکیسم به اندیشه های سه تئورسین یهودی در دوره ی امپراتوری عثمانی^۱ و ریشه های پان آدریسم به سال ۱۹۱۸ زمانی که نام آذربایجان ایران بر اراضی شمال ارس که تا آن دوره آران نامیده می شد، بر می گردد. در ۲۷ مه ۱۹۱۸م هنگامی که در مناطق شمالی رود ارس تشکیلاتی موسوم به جمهوری آذربایجان اعلان موجودیت کرد، این سرقت عنوان، نگرانی‌هایی را در میان ایرانیان موجب شد. به طوری که شیخ محمد خیابانی و همراهانش در تبریز در اقدامی اعتراضی تصمیم گرفتند که نام ایالت آذربایجان را به «آزادستان» تغییر دهند(کازمی، ۱۳۸۵: ۳۳).

پیشبرد پان ترکیسم و به تبع آن پان آدریسم یکی از ابزارهایی است که دشمنان ایران به ویژه طی یک قرن اخیر از آن علیه ایران استفاده کرده اند. تلاش دشمنان برای ایجاد تفرقه ی قومی بعد از انقلاب اسلامی و با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ شکل جدیدی یافت. مشخصه ی مهم پان ترکیسم، تصوّر سرزمینی فراتر از ترکیه برای ترکان و تلاش برای ایجاد سرزمینی واحد برای آنان در جهان است. نسخه ی ایرانی پان ترکیسیم را می توان پان آدریسم نامید. پان آدریسم در ایران در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ش نمود اصلی یافت و آن زمانی بود که سید جعفر جواد زاده مشهور به پیشه وری با یاری فرقه ی دموکرات در تبریز و در چارچوب اهداف شوروی در ایران در جنگ جهانی دوم اعلام استقلال کرد و خطّ راه آهن تهران به اروپا را از میانه بست و دستور داد کتب درسی به زبان ترکی نوشته و تدریس شود. این غائله یک سال بعد با جنبش مردم تبریز پایان یافت.

این در شرایطی است که اساساً ناسیونالیسم در میان آذریها، ناسیونالیسم ایرانی و ترکیبی از فرهنگ ایرانی و اسلامی بوده و هست، اما واقعیتهایی که نمی توان آن را انکار کرد، این است که پان آدریسم پس از فروپاشی شوروی و تشکیل جمهوری آذربایجان و با مداخلات مثلث ترکیه، رژیم صهیونیستی و آمریکا مورد توجه قرار گرفته است و اکنون عربستان سعودی نیز به آن اضافه شده است. در جمهوری آذربایجان سیاست های شوونیستی قومی را محدود به دوران حکومت یکساله ی ابوالفضل ایلچی بیگ (۱۹۹۳) می کنند، این در شرایطی است که پیش تر

۱. این سه تئورسین یهودی عبارتند از: آرتور لملی دیوید، دیوید لئون کوهن، آرمینوس وامبری

حیدرعلی اف در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۰ و زمانی که رئیس مجلس عالی نخجوان بود برای تحریف خیزش ایران گریانه مردم جمهوری آذربایجان، ۳۱ دسامبر را روز همبستگی آذریهای جهان نامگذاری کرد. حال آن که مردم آذربایجان در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹ با عبور از ارس و با شعارهای الله اکبر خواهان الحاق به مام میهن (ایران) شده بود (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

واقعیت این است که حرکت خرنده ی پان آدریسم در جمهوری آذربایجان در دوران علی اف ها (حیدر علی اف ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ و الهام علی ف از ۲۰۰۳ تاکنون) نه تنها کاهش نیافته، بلکه در سطوح دولتی و درچارچوب نهادهایی چون کمیته ی دولتی امور آذربایجانیان مقیم خارج که بعدها به دیاسپورای آذری تغییر نام داد، پیگیری می شود. برگزاری اولین کنگره ی آذربایجانیان جهان در تاریخ ۲۱ نوامبر سال ۲۰۰۱، تأسیس کمیته ی امور آذربایجانیان مقیم خارج در جولای سال ۲۰۰۲، تأسیس ده ها حزب شوونیستی و قوم گرا در جمهوری آذربایجان، اتخاذ رویکرد قومی علیه ایران در کتب درسی و آموزشی جمهوری آذربایجان، تحریف تاریخ و ... همگی نشان دهنده ی پایه گذاری رویکرد اعمالی باکو علیه ایران بر اساس سیاست پان آدریسم می باشد. همین موضوع باعث شده است که بر حسب تحولات منطقه ای و جهانی، کشورهای مخالف یا متخاصم با ایران تلاش کنند با تشکیل ائتلاف های پنهان یا آشکار با جمهوری آذربایجان از این پتانسیل نیز علیه ایران اسلامی استفاده کنند.

عربستان سعودی به علت شکست های پی در پی در برابر محور مقاومت در منطقه ی غرب آسیاف بویژه در سوریه و یمن، یکی از بازیگرانی است که تمایل شدیدی برای ایجاد بحران قومی در ایران دارد. باکو از سال ۲۰۰۲ در قالب کمیته ی دولتی امور آذربایجانیان مقیم خارج در پوشش رسیدگی به وضعیت اتباع جمهوری آذربایجان که در کشورهای دیگر ساکن هستند، اهداف وسیعی با محوریت شبکه سازی و ایجاد لابی های آذری دنبال می کند. ساختار این کمیته که در سال ۲۰۰۸ به کمیته ی دولتی امور دیاسپورا تغییر نام داد، بر اساس تجارب لابی های صهیونیستی و با هدف استفاده از پتانسیل های آذری های جهان در جهت منافع باکو - تل آویو برای ایجاد تحریکات قومی در میان آذری های ایران طراحی شده است. این کمیته با بودجه ی هنگفتی برنامه های متعددی را به ویژه به بهانه ی مناسبت های مجعول نظیر ۳۱ دسامبر، روز همبستگی آذریهای جهان، به اجرا در می آورد. از جمله اهداف فعالیت این کمیته برقراری ارتباط با تشکل های آذری در کشورهای دیگر، ایجاد لابی آذریهای جهان، شکل دادن

ایدئولوژی واحد به اجماع‌های آذربایجانیان جهان و کمک به انتخاب آذریهای مقیم خارج به نمایندگی پارلمان‌ها می‌باشد.

ابعاد همکاری‌های باکو با عربستان سعودی به ویژه از سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان با پیوند دادن دیاسپوراها ی آذری به عربستان سعودی، برخلاف سیاست‌های اعلامی خود مبنی بر حسن همجواری، در راستای پیشبرد طرح‌های ضد ایرانی عربستان سعودی اقدام کرده است. نمونه‌ی آن دیدار صالح ایلدیریم، رییس «حزب استقلال آذربایجان جنوبی»^۱، با ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی، در سال ۱۳۹۵ ش بود. جمهوری آذربایجان یکی از مراکز فعالیت و محل برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی صالح ایلدیریم است. حساسیت این موضوع از آن جهت است که پیش‌تر نیز برخی از مطبوعات باکو ابعدادی از نقش جمهوری آذربایجان در مرتبط کردن سازمان‌های امنیتی رژیم صهیونیستی با عناصر جدایی طلب آذری منتشر کرده‌اند. چنانچه روزنامه‌ی «ینی مساوات»، چاپ باکو، در زمستان ۲۰۱۷ با انتشار گزارشی از فعالیت‌های موساد و آمان (اطلاعات ارتش اسرائیل) با همکاری کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورای جمهوری باکو در این زمینه پرده برداشت و نوشت در طراحی اغتشاشات سال ۲۰۰۶ (سال ۱۳۸۵ ش) در مناطق آذری نشین ایران، به دلیل درج یک کاریکاتور توهین آمیز در یکی از روزنامه‌ها، اوری لوبرانی، عضو قدیمی سازمان مخفی «هاگانا» که در دوره‌ی سفارتش در ایران تا سال ۱۹۷۸، به زبان‌های فارسی و ترکی مسلط شد، نقش داشته است. به نوشته‌ی مساوات، اوری لوبرانی در نتیجه‌ی موفقیت آمیز بودن این عملیات، با کمک کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورا با فعالان قوم‌گرا تماس گرفته بود (کاظمی، بهار ۹۶: ۱۳).

سوال اصلی مقاله‌ی حاضر این است که در روند رو به رشد مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی، پیشبرد تازان آذریسم چه جایگاهی دارد؟ ابعاد و اهداف همکاری باکو و ریاض در این زمینه و علل آن چیست؟ رویکرد عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان درباره‌ی ایران را در قالب چه نظریه‌ای می‌توان تبیین کرد؟ این مقاله با بهره‌گیری از نظریه‌ی سازه‌نگارانه‌ی الکساندر ونت که هویت دولت‌ها را تعیین‌کننده‌ی سیاست خارجی آنها می‌داند، با تأکید بر اشتراک نظر باکو و ریاض در هویت‌سازی جعلی، به بررسی توسعه‌ی مناسبات

۱. عنوان مجعول «آذربایجان جنوبی» نام جعلی رایج شده در جمهوری آذربایجان برای معرفی مناطق آذری نشین ایران می‌باشد.

جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی، علل تمایل عربستان سعودی به تقویت پان آدریسیم، سابقه ی همکاری های امنیتی باکو و ریاض از ترویج وهابیت تا قوم گرایی، ابعاد همکاری های باکو و ریاض در پیشبرد پان آدریسیم و رویکرد ریاض برای تسلیح جدایی طلبان قومی می پردازد.

۱. چارچوب نظری :

نظریه ی سازه‌انگاری با ردّ برداشت‌های خردگرایانه ی نو واقع گرایی، بر نقش هویت در ساخت منافع، کنش‌ها و تکوین متقابل کارگزار-ساختار و اهمیت ساختارهای هنجاری و مادی تأکید می‌کند (Price, Richard and Christian Reus-Smith. 1998,256). الکساندر ونت- مؤلف کتاب «نظریه ی اجتماعی سیاست بین‌الملل»- معتقد است: هویت دولت‌ها تعیین‌کننده ی سیاست خارجی آنها است. به اعتقاد وی، هرکدام از دولت‌ها در نظام بین‌الملل به مانند افراد در جامعه ی داخلی، نوعی هویت دارند که به رفتار آنها در نظام بین‌الملل شکل می‌دهد و پیش‌بینی رفتار آنها را امکان‌پذیر می‌کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته، عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است. از دیدگاه الکساندر ونت، هویت، خصوصیتی است که دولت‌ها به عنوان کنشگران نیت مند دارند و موجد تمایلات انگیزشی و رفتاری آنها است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶). هویت، پدیده‌ای است که در رابطه ی خود- دیگری شکل گرفته و قوام پیدا می‌کند و پدیده‌ای از قبل داده شده و مسلم پنداشته شده نیست، بلکه در فرآیند تعامل ایجاد شده و بر منافع و ترجیحات افراد و دولت‌ها تأثیر می‌گذارد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۴۹). هویت‌ها به این اشاره دارند که کنشگران کیستند یا چیستند؟ اما منافع به آن چه کنشگران می‌خواهند، اشاره دارد. منافع، مستلزم وجود هویت است؛ آنها انگیزه‌هایی را نشان می‌دهند که به تبیین رفتار کمک می‌کند. زیرا یک کنشگر تا وقتی نداند کیست، نمی‌داند چه می‌خواهد» (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۷ - ۳۲۶). به عنوان مثال، عربستان سعودی بر اساس هویتی که بر مبنای وهابیت تکفیری تعریف کرده است، منافع خود را در مقابله با اسلام شیعی، ایران هراسی، تضعیف محور مقاومت و همسویی با قدرتهای غربی می‌بیند. به اعتقاد شیرین هانتر، اسلام وهابی که از همان ابتدا به عنوان زیربنای عقیدتی و اساس مشروعیت حکومت جدید به خدمت گرفته می‌شد، از طرف ابن سعود صرفاً ابزاری برای پیشبرد هدف‌ها و جاه‌طلبی‌های خاندان سعود و توسعه‌گرایی بود» (هانتر، ۱۳۸۰، ۲۵۱). جمهوری آذربایجان نیز علیرغم اشتراکات

گسترده ی دینی، فرهنگی، تاریخی و نژادی با ایران، هویت خود را بر مبنای قومی، تحریف تاریخ و در انکار اشتراکات با ایران و همگرایی با محور عبری - سعودی تعریف کرده است. جمهوری آذربایجان تقویت تشیع در این کشور را تهدیدی علیه خود می داند و این رویکرد، مبنای رفتارهای واگرایانه ی باکو در قبال تهران محسوب می شود.

۲. نگاهی به مناسبات باکو و عربستان سعودی

مناسبات عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان را از سال ۱۹۹۱ تاکنون به سه دوره می توان تقسیم کرد: دوره ی اول از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، دوره ی دوم از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳، و دوره ی سوم از ۲۰۰۳ تاکنون .

در دوره ی اولف عربستان سعودی اقدام به شناسایی استقلال جمهوری آذربایجان کرد، اما مناسبات دو کشور به دلایل مختلفی توسعه پیدا نکرد. چرا که رویکرد جبهه ی خلق، ترکیه گرایی بود و حکومت های لائیک در ترکیه نیز به اروپاگرایی و آمریکاگرایی اولویت می دادند، عربستان سعودی نیز علیرغم این که از برقراری روابط دیپلماتیک با ارمنستان، به بهانه ی مناقشه ی قرا باغ و در اصل برای استفاده ابزاری از این موضوع، خودداری کرده بود، کمکی به جمهوری آذربایجان نکرد.^۱ از این رو در این دوره تحول خاصی در مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از جمله در زمینه ی پیشبرد پان آدریسم ایجاد نشد.

در دوره ی دوم؛ یعنی از سال ۱۹۹۳ و روی کار آمدن حیدر علی اف تا زمان درگذشت وی در سال ۲۰۰۳، پایه های روابط دو کشور گذاشته شد. به علت حساسیت های مذهبی، عربستان سعودی در پوشش نهادهای خیریه و با هدف تبلیغ وهابیت، مراکز متعددی در جمهوری آذربایجان ایجاد کرد. طلبایی از جمهوری آذربایجان برای تحصیل در مدارس دینی عربستان سعودی جذب شدند و همزمان محدودیت هایی برای تحصیل طلبان در ایران اعمال شد(احمدی دادگر، ۱۳۹۵، ۳۳۶). در این مقطع، استفاده از پتانسیل های وهابیت برای مهار تشیع در جمهوری آذربایجان به طور جدی ولی به صورت غیرعلنی به ویژه از طریق انتشار کتاب هایی که

۱. آدام شیف، (Adam Schiff) سناتور امریکایی، در آوریل ۲۰۱۹ وب سایتش فاش کرد: عربستان سعودی حاضر شده است برای تصویب طرح «نسل کشی» ارمنه در کنگره ی آمریکا، حمایت های مالی لازم را به عمل آورد (PanARMENIAN.Net,2019). این موضوع مؤید نگاه ابزاری ریاض به مناقشه ی قرا باغ می باشد.

مورد حمایت کمیته ی دولتی اموردینی بودند، پیگیری می شد. با وجود این از آنجا که رویکرد جمهوری آذربایجان ناتو گرایی، آمریکاگرایی و اروپاگرایی بود، در رسانه ها نوعی نگاه منفی به کشورهای عربی حاکم بود. از سال ۱۹۹۹م هر ساله در مجمع عمومی سازمان ملل درباره ی مناقشه ی قرا باغ رأی گیری می شود و باکو از آن زمان تلاش می کند که همه ی کشورهای عربی به نفع تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رأی دهند. در این دوره ، علیرغم همکاری های دو طرف در ترویج وهابیت ، نشانه ای از همکاری در زمینه ی قوم گرایی دیده نمی شود .

دوره ی سوم مناسبات باکو و ریاض که از سال ۲۰۰۳ تاکنون (۲۰۱۹) را شامل می شود می توان آن را دوره ی جهش در مناسبات دو کشور خواند. تأثیر هویت سازی جعلی بر رفتارهای سیاست خارجی در قالب نظریه ی سازه انگاری در این دوره از روابط باکو و ریاض مشهود می باشد. این دوره که با روی کار آمدن الهام علی اف شروع می شود با سفر فروردین ۱۳۹۴ش (آوریل ۲۰۱۵) الهام علی اف به عربستان سعودی وارد مرحله ی جدیدی می گردد که از جمله ابعاد آن، همکاری دو طرف در زمینه ی ترویج قوم گرایی آذری می باشد. در این دوره مناسبات باکو با ریاض به دلایل متعددی به شدت افزایش یافته است که بخشی از آنها عبارتند از: . تشدید رویکرد شیعه ستیزی در جمهوری آذربایجان و تمایل باکو به استفاده ی بیشتر از وهابیت برای مقابله با شیعیان؛ در این راستا جمهوری آذربایجان علیرغم تبلیغات گسترده درباره ی ساخت مساجد جدید، اداره ی اغلب این مساجد را در اختیار وهابی ها گذاشته است و بر اساس قانون جدیدی که در ماه مه ۲۰۰۹ تصویب شد، امکان فعالیت های تبلیغی «اسلامی» بسیار محدود شد (سرحدچی ، ۱۳۹۵ ، ۱۷۴).
تعمیق مناسبات جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی و درخواست تل آویو از باکو برای توسعه ی مناسباتش با ریاض.

. ظهور تروریسم تکفیری در عراق و سوریه و تهدید تروریست های قفقازی تبار داعش از جمله گروه الشیشانی به اعلام جهاد علیه الهام علی اف و متعاقب آن در خواست جمهوری آذربایجان از عربستان سعودی برای استفاده از نفوذ خود بر داعش جهت عدم اقدام آنها علیه دولت باکو.

ناکامی های پی در پی سیاست های تنش زایانه ی عربستان سعودی در غرب آسیا و تلاش ریاض برای ضربه زدن به ایران از طریق افزایش حضور در همسایگان ایران به ویژه جمهوری آذربایجان.

مشکلات اقتصادی جمهوری آذربایجان به ویژه پس از کاهش جهانی قیمت نفت و تمایل باکو برای جذب سرمایه گذاریهای عربستان سعودی^۱.

همسویی باکو با سیاست های خاورمیانه ای آمریکا و تلاش برای کسب رضایت این کشور جهت عدم طرح مباحث حقوق بشری علیه جمهوری آذربایجان.

کاهش وجهه ی اسلام ستیزی جمهوری آذربایجان در خارج از مرزها از طریق مناسبات با عربستان سعودی به عنوان خادم الحرمین و کاهش فشار افکار عمومی در داخل از طریق انتشار عکسهای حضور الهام علی اف و خانواده اش در مکه و مدینه.

استفاده از پتانسیل های عربستان سعودی به عنوان رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل (در آن مقطع) برای جلوگیری از طرح نقض حقوق بشر در این کشور

در این دوره فعالیت گروه های وهابی در جمهوری آذربایجان که مراکز سعودی آنها را پایه گذاری کرده و تأمین مالی می کنند، افزایش یافت. همچنین این گروه ها با تشکیل شبکه ای گسترده به جذب نیرو از منطقه ی قفقاز و آسیای مرکزی برای داعش و سایر گروههای تروریستی وهابی در سوریه و عراق اقدام کرده اند.

نقطه ی عطف در این دوره در مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی ، سفر اعلام نشده ی الهام علی اف به عربستان سعودی در فروردین ۱۳۹۴ بود. الهام علی اف به همراه خانواده و هیأت سیاسی، اقتصادی و مذهبی همراه خود پنجم آوریل ۲۰۱۵ در یک سفر از قبل اعلام نشده به عربستان سعودی رفت. ملک سلمان در یک پایگاه نظامی با وی دیدار کرد. رسانه های رسمی و غیررسمی جمهوری آذربایجان سعی کرده اند استقبال شاه و شاهزاده های سعودی از الهام علی اف و خانواده و هیأت همراهش را ناشی از افزایش نفوذ شخص علی اف در منطقه

۱. سوزان سولیکا راسمن، محقق دانشگاه براندیس Brandeis امریکا، معتقد است: باکو برای کسب درآمد، به پول عربستان سعودی جهت تزریق به تقویت اقتصاد رو به رشد خود می نگرد. به لحاظ سیاسی، داشتن یک متحد ثروتمند و قدرتمند مانند عربستان سعودی به جمهوری آذربایجان کمک خواهد کرد تا به سیاست متعادل تر خارجی در قبال ایران و روسیه و نه صرف تکیه بر ترکیه به عنوان تنها متحد واقعی اش دست یابد (Rothman, 2014).

قلمداد کنند اما چنانچه تحولات بعدی نشان داد، اهداف سیاسی و فرقه‌ای پشت پرده‌ی این سفر مهم بود. در شرایطی که به علت کشتار مردم یمن، بخصوص شیعیان این کشور و توطئه علیه مردم عراق و حزب الله لبنان، چهره‌ی ضد شیعی سعودیها بیش از پیش نمایان شده است، شاه سعودی نمایش استقبال از رییس جمهوری یک کشور شیعه را فرصتی فوق العاده برای تطهیر عربستان سعودی و سرپوش گذاشتن بر شیعه ستیزی آل سعود می دانست (حشمتی، ۱۰ مرداد ۹۷).

گزارشها و تحلیل هایی که شبکه‌ی تلویزیونی العربیه از سفر الهام علی اف و هیأت همراهش به عربستان سعودی پخش می کرد، آشکارا گواه اهداف امنیتی - سیاسی سعودیها از نزدیک شدن به باکو می باشد. ریاض سعی دارد نفوذ معنوی ایران در عراق، یمن، لبنان و سوریه و سایر کشورهای اسلامی را با نفوذ در جمهوری آذربایجان و ترویج وهابیت در این جمهوری و حرکت‌های ایذایی فرقه‌ای و قومی علیه جمهوری اسلامی ایران پاسخ دهد. عربستان سعودی برای رسیدن به این هدف از مشکلات ناشی از کاهش درآمدهای نفتی جمهوری آذربایجان به خوبی بهره می گیرد. در سفرهای سرمایه داران سعودی به جمهوری آذربایجان که اندکی پس از سفر الهام علی اف افزایش یافت، به مقامات باکو این گونه القا شده است که آن چه ترکیه را از گرفتار شدن به بحرانهای مالی و اقتصادی اروپا در سال های اخیر نجات داد، روی آوردن آنکارا به سرمایه گذاری های عربی بود و باکو نیز برای جلوگیری از تعطیلی و رکود در طرحهای نفت و گاز خود نیازمند چنین رویکردی است.

جهش بی سابقه در مناسبات باکو و ریاض پس از سفر علی اف به ریاض و همسویی با محور عبری - سعودی در برخی از مسایل منطقه ای نظیر بحران یمن، کاربرد واژه‌ی مجعول خلیج به جای خلیج فارس توسط رئیس جمهوری آذربایجان (azertag, 17.11.2016)، تشدید اقدامات کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورا، از جمله تأکید فؤاد مراداف رییس این کمیته بر تأمین مالی و بدون محدودیت کشوری طرح های آذربایجان گرایی در قالب «صندوق دیاسپورا» (modern.az, 14 April 2019)، دیدار ترکی الفیصل رییس پیشین استخبارات سعودی و رابط ریاض با سازمان منافقین با الهام علی اف در باکو در مارس ۲۰۱۹ (AZƏRTAC, 15 mart 2019) نشان داد که توافقات امنیتی مهمی، به ویژه در زمینه‌ی ترویج قوم گرایی آذری صورت گرفته است که طی

آن همراهی باکو با اقدامات تنش زایانه ی امنیتی جبهه ی صهیونیستی - سعودی تشدید می شود .

در واقع پس از رسوایی که در سال ۱۳۹۵ش با انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان ایجاد و مشخص شد که توان وزارتخانه ی مذکور برای توسعه ی نفوذ وهابی ها در مراکز تجاری، دینی، آموزشی و سیاسی این کشور به کار گرفته شده است^۱، این دیدگاه خوشبینانه ایجاد شد که باکو از پیگیری اهداف خاص در توسعه ی مناسباتش با ریاض خودداری خواهد کرد؛ چرا که جمهوری آذربایجان با تبلیغات فراوان از انحلال وزارت امنیت ملی، انجام اصلاحات و تأسیس دو سرویس امنیت داخلی و خارجی به دنبال این رسوایی خبر داده بود . اما سفر الهام علی اف به عربستان سعودی و تحولات پس از آن نشان داد که انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان به معنای پایان همکاری های امنیتی باکو با ریاض نبوده و ابعاد همکاری های امنیتی علاوه بر پروژه ی توسعه ی وهابیت، به ترویج پان آدریسم و قوم گرایی در ایران توسعه پیدا کرده است. پس از سفر مذکور ، دیدارها و رفت و آمدهای متقابل میان باکو و ریاض به طور جهشی افزایش یافته است که به تعدادی از آنها به صورت خلاصه اشاره می شود :

سفر عادل بن زاید الطرّیفی، وزیر فرهنگ و اطلاع رسانی عربستان سعودی، به باکو (azertag.az, 27.04.2016)، دیدار علی اف با خالد الفالح، وزیر انرژی عربستان سعودی در دی ۱۳۹۵ش در داووس و تأکید بر همکاری شرکت های نفتی «سعودی آرامکو» و «سوکار» (president.az, 18 yanvar 2017)، سفر علی حسن اف، دستیار ارشد رییس جمهوری آذربایجان به ریاض در بهمن ۱۳۹۵ و تأکید بر لزوم افزایش گردشگران سعودی به باکو از ده هزار نفر در سال ۲۰۱۶ به ۳۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ و مشارکت ریاض در طرح دهلیز جنوبی گاز (azertag.az, 07.02.2017). در ادامه ی توسعه ی مناسبات باکو و ریاض، ژنرال ذاکر حسن اف، وزیر دفاع جمهوری آذربایجان، اواسط فروردین ۱۳۹۶ش در سفر به عربستان سعودی از مقرّ ائتلاف نظامی تحت ریاست سعودی، موسوم به « مرکز ائتلاف ضدّ ترور کشورهای اسلامی»، دیدن و با وزیر دفاع سعودی گفتگو کرد (azertag.az, 05.04.2017). به دنبال آن روزنامه ی «ینی

^۱. در جریان انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان مشخص شد یالچین محمود اف از نزدیکان الدار محموداف، وزیر امنیت ملی آذربایجان، تحت حمایت وزارتخانه ی مذکور، وظیفه ی حمایت از فعالیت تشکّل های وهابی، کمک به گسترش نفوذ گروه های وهابی در مرکز و جنوب جمهوری آذربایجان و هدایت زیرزمینی فعالیت های وهابیون ، ایجاد پوشش تجاری برای فعالیت وهابیون ، پیگیری آزادی آنها در صورت بازداشت احتمالی را بر عهده داشته است(خاورمیانه،۱۳۹۵).

مساوات»- چاپ باکو- نوشت: با سفر ترامپ به ریاض «تاتوی اسلامی» علیه ایران، عراق، یمن، سوریه و حزب الله لبنان ایجاد می شود و هیچ کشوری نمی تواند مانع عضویت جمهوری آذربایجان در «تاتوی اسلامی» شود (TURAN, 20.05.2017). در آوریل ۲۰۱۹ نیز ژنرال «نجم الدین صادق اف» و «فیاض بن حامد الرویلی» رؤسای ستاد مشترک جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی، قرارداد همکاری نظامی در ریاض امضا کردند (mod.gov.az, 2019).

بدین ترتیب در دوره ی الهام علی اف مناسبات باکو و ریاض در سطوح امنیتی، نظامی و سیاسی توسعه پیدا کرد. رئیس جمهوری آذربایجان در تمامی این سفرها، از جمله سفر اردیبهشت ۱۳۹۶ش به ریاض در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود با نقض شیوه نامه ی سازمان ملل، از واژه ی مجعول خلیج به جای خلیج فارس استفاده کرد. چنین رویکرد سیاسی باعث بدبینی به تمامی زمینه‌های همکاری باکو و ریاض می شود. به عنوان مثال درخواست باکو برای حضور آرامکو در طرح‌های انرژی، در شرایطی است که سوکار همواره خود را به عنوان سرمایه گذار طرح‌های انرژی در دیگر کشورها از جمله ترکیه معرفی می کند، بنابراین سوکار نباید نیازمند سرمایه گذاری کشورهای فاقد دانش روز استخراج نفت نظیر عربستان سعودی باشد. از این رو به نظر می رسد یکی از هدف گذاری‌های جمهوری آذربایجان از همکاری‌های انرژی با عربستان سعودی، ایجاد پوششی برای همکاری‌های امنیتی و سیاسی با ریاض است.

۳. علل گرایش عربستان سعودی به تقویت پان آدریسیم

از منظر نظریه ی سازه انگاری، اقدامات عربستان سعودی برای تحمیل هویت وهابیت تکفیری به عنوان هویت جهان اسلام و معرفی نظام سعودی، به عنوان نماینده ی جهان تسنن، ریشه ی رویکردهای ضد ایرانی عربستان سعودی را تشکیل می دهد. تشدید این رویکرد در دوره ی ملک سلمان نیز ناشی از شکست این رویکرد و سایر ناکامی‌های پی در پی ریاض در منطقه و جهان علیرغم سرمایه گذاریهای هنگفت این کشور می باشد. درک سیاست تهاجمی عربستان سعودی را می توان در چارچوب الگوی رفتار جدید سیاست خارجی این کشور تبیین کرد که ناشی از تغییر شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. عوامل تاثیرگذاری در این رویکرد در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی عبارتند از:

. تصمیم گیرندگان جدید سیاسی و امنیتی در عربستان سعودی با محوریت محمد بن سلمان : ذهنیت این تیم جدید در واقع خارج کردن عربستان سعودی از سکون سابق و فعال کردن ظرفیت‌های وهابیت تکفیری است.

. خلأ قدرت در جهان عرب : جهان عربی که خیابان‌هایش دیگر در تصرف صدام‌ها و قذافی‌ها نیست و مبارک و اسد‌هایش از قدرت برکنار یا ضعیف شده‌اند.

. افزایش نفوذ ایران : افزایش ضریب نفوذ ایران در جهان عرب از یک‌سو و تغییر فضای بین‌المللی به نفع ایران و شکست پروژه ی ایران هراسی باعث ناخرسندی سعودی‌ها شده است. . گسست در پیوند با آمریکا : روندی که اولین جرقه ی آن از ۱۱ سپتامبر زده شد و بعدها با سقوط صدام و تحولات بهار عربی عینیت یافت. سعودی‌ها بیم آن دارند، سیاست نگاه به شرق آسیای آمریکا رنگ واقعیت به خود گرفته، نیاز واشنگتن به نفت غرب کمتر شود و آمریکا به سمت تنوع در شرکای منطقه‌ای خود حرکت کند(کرمی ، ۹۵/۰۵/۰۷).

شکست سیاست‌های عربستان سعودی در مقابل جبهه ی مقاومت تنها به تحولات سوریه، عراق، یمن، بحرین و لبنان محدود نشده است، بلکه در جهان غرب نیز انزجار از افکار عمومی از عربستان سعودی به واسطه ی تغذیه ی فکری، مالی و تسلیحاتی تروریسم افزایش یافت و برخی از اندیشکده های غربی علیرغم دلارهای نفتی عربستان سعودی، از این کشور به عنوان «مادر تروریسم» و «بزرگترین حامی مالی تروریسم» نام بردند. در آمریکا نیز علیرغم سرمایه گذاری ۷۵۰ میلیارد دلاری عربستان سعودی ، قانون جاستا علیه این کشور به تصویب رسید. قانون «عدالت در برابر حامیان تروریسم» (معروف به جاستا) به خانواده‌های قربانیان حادثه ی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ امکان می‌دهد مقامات سعودی دخیل در این حملات را تحت پیگرد قانونی قرار دهند. این قانون به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد هنگام وقوع حمله ی تروریستی در داخل خاک آمریکا مصونیت قضایی و حاکمیتی که دولت‌های خارجی به طور سنتی از آن برخوردار هستند را برای دولت یا دولت‌های مظنون به مشارکت در چنین حملاتی لغو کنند. تصویب این قانون بعد از آن صورت گرفت که کنگره ی آمریکا با انتشار ۲۸ صفحه سند تأکید کرد: دست کم چند نفر از عاملان حملات ۱۱ سپتامبر با مقام‌های دولت عربستان سعودی در تماس بوده‌اند، ۱۵ نفر از ۱۹ هواپیمارهای عامل حملات ۱۱ سپتامبر نیز شهروندان عربستان سعودی بوده‌اند. پس از

^۱ . Justice Against Sponsors of Terrorism Act

آنکه عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان سعودی، تهدید کرده بود: ریاض در صورت تصویب قانون مذکور ۷۵۰ میلیارد دلار اوراق بهادار در خزانه‌داری آمریکا و دیگر دارایی‌هایش در آمریکا را به فروش خواهد رساند، باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۶ م مصوبه‌ی کنگره را وتو کرد اما نمایندگان مجلس سنا و مجلس نمایندگان ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۶ م با استفاده از اختیارات قانونی خود وتوی رئیس جمهور را بی اثر و این قانون را تصویب کردند. پایگاه خبری «بازفید» آمریکا نیز در ۲۱ مارس ۲۰۱۷ م دادخواست ۱۳۵ صفحه‌ای ۸۰۰ تن از بستگان قربانیان حوادث ۱۱ سپتامبر را منتشر کرد که آن را در ۲۰ مارس ۲۰۱۷ م به دادگاه فدرال منطقه‌ی منهتن شهر نیویورک ارائه دادند. شاکیان در دادخواست خود ضمن درخواست غرامت از دولت عربستان سعودی برای جبران آسیبی که حملات ۱۱ سپتامبر به آنها وارد کرده، برخی جمعیت‌های خیریه و نهادهای دولتی سعودی را به برقراری روابط با اسامه بن لادن، رهبر پیشین القاعده، متهم کردند (Koerner, Mar. 21, 2017).

عربستان سعودی که ریشه ناکامی‌های خود در پیشبرد سیاست‌های تفرقه افکنانه‌ی منطقه‌ی اش را ایران می‌داند به اقدامات متعددی علیه تهران دست زده است. نگاه آمریکا به عربستان سعودی را می‌توان سیاست نگاه به عربستان به عنوان پمپ بنزین یا سیاست چشم پوشی از شرارت نام برد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۸). سفر ترامپ به ریاض نیز این دیدگاه را تأیید کرد؛ بر این اساس نیز این سفر رویکردهای تنش زایانه‌ی عربستان سعودی در منطقه را تشدید کرده است. تجارب گذشته نشان می‌دهد که کشورهای خارجی زمانی که با جمهوری اسلامی ایران بر سر موضوع ثانویه‌ای اختلاف پیدا می‌کنند، درصدد برمی‌آیند تا از مسئله‌ی اقوام ایرانی به‌منزله‌ی یک اهرم برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند (واحدی، ۵ دی ۱۳۹۴). عربستان سعودی نیز در کنار اقدامات تنش زایانه‌ی متعدد علیه ایران، برای تفرقه‌ی قومی نیز تلاش می‌کند. به عنوان نمونه صفحات اجتماعی قومگرا وابسته به عربستان سعودی، بویژه در شبکه‌ی پیام رسان تلگرام، افزایش چشمگیری داشته است که از جمله آنها می‌توان به کانال آراز نیوز اشاره کرد که برای رنگ سیاسی و قومی دادن به بازی‌های تیم تراکتور سازی تبریز فعالیت می‌کند (axar.az, 2019.05.01).

در نگاه کلی اقدامات ضد ایرانی ریاض، به ویژه از سال ۲۰۱۵ م، به طور تیتروار عبارتند از:

. قطع روابط سیاسی-اقتصادی: اگرچه حمله به سفارت عربستان بهانه را در اختیار سعودی‌ها برای قطع روابط سیاسی-اقتصادی قرار داد، اما سرعت ریاض در قطع روابط نشان داد که از قبل برای چنین سناریویی برنامه‌ریزی دقیقی شده است.

. یارگیری و بسیج دولت‌های عربی-آفریقایی: به دنبال قطع روابط عربستان با ایران و در هماهنگی با این تصمیم، بحرین، سودان، سومالی، جیبوتی و کومور روابط خود با تهران را قطع و امارات متحده ی عربی نیز روابط خود را به سطح کاردار تنزل داد.

. تلطیف روابط با رژیم صهیونیستی: این در شرایطی است که ریاض همواره مدعی بود: روابط با اسرائیل خط قرمز آل سعود به دلیل حساسیت‌های داخلی و افکار عمومی در جهان عرب می باشد.

. فعال کردن ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: ریاض به ویژه به بهانه ی حمله به سفارتش در تهران، با بهره‌گیری از سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، همچون شورای همکاری، اتحادیه ی عرب، سازمان همکاری اسلامی و شورای امنیت، برخی از دولت‌های عربی، اسلامی و غیرعربی از جمله کشورهای آفریقایی را به قطع یا کاهش روابط با ایران ترغیب کرد.
 . فعال کردن گروه‌های تروریستی نیابتی: از جمله تقویت بیشتر گروه‌های تروریستی در مرزهای غربی و شرقی ایران و حمایت علنی از منافقین (کرمی، ۹۵/۰۵/۰۷).

در میان مجموعه اقدامات عربستان سعودی برای فشار به ایران، استفاده از گروه‌های تروریستی و تجزیه طلب، اهمیت ویژه‌ای برای ریاض دارد. چنانچه گریگوری تروفیمچوک، کارشناس سیاسی روسی، تأکید کرده است: استفاده از ابزار تحریک قومی از صدها عملیات تروریستی، قوی تر به نظر می‌رسد (musavat, 14.06.2017).

ریاض تجربه طولانی در حمایت فکری، مالی و تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی در شرق و غرب ایران به منظور ایجاد بحران‌های قومی و درگیری‌های فرقه‌ای و اختلاف میان شیعه و سنی دارد. قراین متعددی نشان می‌دهد که عربستان سعودی همواره حمایت از بقایای احزاب تروریستی دموکرات و کومله را در دستور کار داشته است، اما ریاض در رویکرد جدید می‌کوشد از ابزارهای جدیدتری نیز استفاده کند که تمایل به ایجاد تحریکات قومی در میان آذریها ی ایران نشان دهنده ی این موضوع است. عربستان سعودی علاوه بر پیگیری رویکرد جدایی طلبی قومی در میان بلوچ‌ها، کردها و عرب‌های ایران، به دنبال ایجاد فتنه‌های قومی میان آذریهای

ایران است. نقش افتخار آمیز آذریه‌های ایران در طول تاریخ در دفاع از ایران از جنگ چالدران گرفته تا رشادت‌های آنان در مشروطیت و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، بغض و کینه‌ی عجیبی در میان دشمنان ایران ایجاد کرده است. از این رو در تحوّل جدید، عربستان سعودی نیز به حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی آمده است تا با همکاری باکو که بیش از دو دهه روی ابعاد نظری و عملی پان آدریسم کار کرده است، انرژی تازه‌ای به ایده‌های شوونیستی بدهند. محور غربی-عبری-سعودی امیدوارند با ایجاد مسایل قومی، هویت ایرانی-اسلامی را که مهمترین عامل وحدت ایرانیان است، به چالش بکشانند. این در شرایطی است که از منظر نظریه‌ی سازه‌انگاری پیوند آل سعود و وهابیت و ایجاد هویت تحمیلی در جزیره العرب، مهمترین دلیل رفتارهای تنش‌زایانه‌ی ریاض می‌باشد.

در این روند، عربستان سعودی اهداف گسترده‌ای نظیر پیوند با دیاسپورای آذری باکو، ارتباط گیری با فعالان قومی تجزیه طلب، توسعه‌ی فعالیت کانالهای تجزیه طلب در تلگرام و سایر شبکه‌های پیام رسان، تبدیل کردن نمادهای ورزشی به سمبول‌های واگرایی قومی، پرداختن به مسایل قومی در شبکه‌ی العربیه و ایران اینترنشنال، حمایت مالی از شبکه‌ی تجزیه طلب گون آذتی‌وی در شیکاگو و نهایتاً جهت دادن تجزیه طلبان فراری به فعالیت‌های نظامی دنبال می‌کند. در این موارد عربستان سعودی، روی پتانسیل‌های جمهوری آذربایجان حساب ویژه‌ای باز کرده است. در تقسیم کاری که در اتاق مشترک سعودی-صهیونیستی-نخجوانی صورت گرفته است، تل‌آویو نقش جهت‌دهی فکری و امنیتی و ریاض نقش تامین مالی و تسلیحاتی را دارد. باکو نیز ماموریت دارد از یک سو با هدف حساسیت‌زدایی در دستگاه‌های سیاسی و امنیتی ایران، خود را مشتاق توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی مناسبات با تهران نشان دهد و از سوی دیگر به تقویت شبکه‌سازی در میان آذریها و پیوند دادن آنها به رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی اقدام کند.

۴. سوابق همکاری‌های امنیتی باکو و ریاض (از ترویج وهابیت تا قوم‌گرایی)

اگرچه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی، به ویژه قبل از سال ۲۰۰۳، محدود بود اما قراین نشان می‌دهد که همکاری‌های امنیتی باکو و ریاض از ابعاد بیشتری برخوردار بوده است. در ابتدا مهمترین زمینه‌ی همکاری امنیتی میان دو طرف،

ایجاد و گسترش وهابیت در جمهوری آذربایجان بوده است.^۱ عربستان سعودی نقش تغذیه‌ی فکری و مالی و تسلیحاتی وهابیت تکفیری در اقصی نقاط جهان را به عهده دارد، و به اذعان اندیشکده‌های غربی، سالانه میلیاردها دلار در این زمینه هزینه می‌کند. جمهوری آذربایجان به علت همسایگی با ایران و روسیه و شیعه بودن اکثریت جمعیت آن، از جذابیت ویژه‌ای برای عربستان سعودی جهت توسعه‌ی وهابیت برخوردار می‌باشد. هدف گذاری عربستان سعودی آن است که از موقعیت جمهوری آذربایجان برای تقویت وهابیت در قفقاز شمالی و سایر مناطق فدراسیون روسیه و تضعیف تشیع در داخل جمهوری آذربایجان استفاده کند.

در این میان جمهوری آذربایجان نیز پروژه‌ی همکاری‌های امنیتی با عربستان سعودی به منظور توسعه‌ی وهابیت را از دوره‌ی حیدر علی اف با اهداف ذیل کلید زد.

. اشتراکات تاریخی و تمدنی جمهوری آذربایجان با ایران و هراس از گرایش اکثریت شیعیان جمهوری آذربایجان به انقلاب اسلامی ایران.

. پیشبرد طرح غربی - صهیونیستی مهار تشیع در جمهوری آذربایجان از طریق توسعه‌ی وهابیت و همچنین ترویج فعالیت‌های مسیونری مسیحیت.

. ایجاد پایگاهی برای وهابیت به ویژه در مناطق سنی نشین شمال جمهوری آذربایجان به منظور تقویت جریان‌های افراطی ضد روسی در قفقاز شمالی.

. هدف گذاری تغییر بافت مذهبی مناطق شیعی و تالش نشین در جنوب جمهوری آذربایجان.

. جلب حمایت‌های مالی و سیاسی عربستان سعودی و کشورهای عربی.

. به کارگیری شبه نظامیان وهابی در صورت از سرگیری مناقشه‌ی قرا باغ.

. رفع موانع هویت سازی جدید در جمهوری آذربایجان از طریق تضعیف ارزشهای اسلامی و

ملی.

همکاری‌های امنیتی عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان برای توسعه‌ی وهابیت شامل

طیف گسترده‌ای می‌شود که برخی از آنها عبارتند از :

تأسیس مؤسسات پوششی خیریه برای ترویج وهابیت تکفیری از جمله مؤسسات

Umumdunya İslam Gençler Assambleyası و IIRO وابسته به عربستان سعودی.

۱. "محسن صمداف" رئیس محبوس حزب اسلام جمهوری آذربایجان گفته است: وهابیان از سال ۱۹۹۷ تاکنون پایگاه‌هایی را در جمهوری آذربایجان تأسیس کرده‌اند و با ساخت و نفوذ در مساجد این کشور به تبلیغ عقاید خود می‌پردازند.

اعزام طلبان آذری به مدارس و دانشگاه‌های دینی عربستان سعودی که قامت سلیمان اف، رئیس وهابیون جمهوری آذربایجان، از جمله ی آنهاست.

تأسیس کمیته ی دولتی امور دینی با رویکرد مهار تشیع و حمایت مستقیم و غیر مستقیم از توسعه ی وهابیت.

انتشار کتب تبلیغ وهابیت به موازات ممنوعیت و محدودیت انتشار کتب شیعی، افشای وجود دهها هزار کتاب تبلیغ وهابیت در انبارهای کمیته ی دولتی امور دینی در سال ۲۰۰۱م مؤید این موضوع است.

. تأسیس مساجد و مراکز وهابی با محوریت مسجد ابوبکر در باکو و استقبال از احداث مساجد توسط عربستان سعودی و کویت در این کشور.

. زمینه سازی حضور وهابیون در مراکز مهم تجاری جمهوری آذربایجان از جمله بازارهای بینه و سدرک در باکو.

. ایجاد نشریه و سایت های اینترنتی ترویج وهابیت در جمهوری آذربایجان مانند سایت سلف خبر.

. ایجاد شبکه ای گروه های وهابی در نقاط مختلف جمهوری آذربایجان، بویژه در مساجد. ایجاد تسهیلات برای ازدواج وهابیون با اتباع جمهوری آذربایجان با هدف جذب مردم آن مناطق به فرقه ی وهابیت و افزایش نسل وهابیون.

علیرغم ابعاد گسترده ی همکاری های امنیتی جمهوری آذربایجان و رژیم سعودی برای توسعه ی وهابیت برای سال های متممادی خبری درباره ی کم و کیف این همکاریها منتشر نمی شد. مقامات باکو هرگونه همکاری در این خصوص بودند، تا اینکه در جریان افشاگری های مربوط به انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۵ که منجر به بازداشت الدار محموداف وزیر امنیت ملی این کشور شد، ابعاد تکان دهنده ای از این موضوع فاش شد. بر اساس این افشاگری ها، وزرات امنیت ملی جمهوری آذربایجان برای سال های طولانی در نقش یک پیمانکار، تلاش های همه جانبه برای نفوذ دادن وهابیون در مراکز حساس و فراهم کردن فعالیت های تجاری آنها انجام داده است و در این خصوص مبالغ هنگفتی را از عربستان سعودی دریافت کرده است .

همکاری های امنیتی جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی برای توسعه ی وهابیت، تبعات متعددی داشت که به نظر می رسد برخی از آنها خارج از محاسبات باکو بوده است :

. ایجاد گروه های شبه نظامی وهابی در جمهوری آذربایجان از جمله برادران جنگل.

. توسعه ی وهابیت در باکو، سومگائیت و برخی از مناطق جمهوری آذربایجان و نمایش قدرت آنها از طریق برگزاری نماز عید قربان سال ۱۴۳۸ ق در یکی از خیابان های پایتخت. در حال حاضر تعداد وهابی ها در جمهوری آذربایجان حدود ۵۰ هزار نفر است و آنها به ۴ گروه خوارج امروز، جماعت هجرت، تکفیر و اخوان تقسیم می شوند.

. ایجاد شهرک وهابی مشفق آباد توسط عربستان سعودی در حومه ی باکو از طریق شبکه های وهابی در مساجد و مراکز پوششی خیریه و با ترفند تأمین مسکن اقساطی برای دینداران.

. افزایش مساجد وهابی در جمهوری آذربایجان به موازات فشارها بر مساجد شیعی؛ از ۱۳۰۰ مسجد فعال در جمهوری آذربایجان، حدود ۱۵۰ مسجد تحت نظارت وهابیون قرار دارند.

جذب صدها نفر به گروه های تروریستی داعش و فتح الشام (جبهه النصره) در سوریه و عراق از جمهوری آذربایجان و با همکاری ترکیه و عربستان سعودی؛ وزارت کشور جمهوری آذربایجان در سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به پیوستن تعدادی از اتباع این کشور به داعش اذعان کرد.

انجام چندین عملیات خرابکاری از سوی گروه های وهابی مانند برادران جنگل، تهدید تکفیریهای قفقاز به اعلام جهاد علیه دولت الهام علی اف، فاش شدن تحرکات عربستان سعودی برای انبار کردن تسلیحات در مشفق آباد در حومه ی باکو که همگی به موازات بی سابقه ترین فشارها علیه شیعیان و فعالان شیعی جمهوری آذربایجان صورت می گرفت، موجب نگرانی محافل دولتی درباره ی احتمال از کنترل خارج شدن پروژه ی توسعه ی وهابیت شد. از این رو در جریان انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان ، رسانه های رسمی باکو تلاش کردند که اینگونه القا کنند که گویا موضوع توسعه ی وهابیت توسط این وزارتخانه اقدامی خودسرانه بوده است. همچنین باکو با موافقت با انتشار چند کتاب شیعی در نقد وهابیت تلاش کرد که عزم خود را در مخالفت با وهابیت نشان دهد.

جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از تجربه ی همکاری امنیتی حداقل دو دهه ای در زمینه ی ترویج وهابیت تکفیری- تروریستی برخوردار هستند. این همکاریها پس از روی کار آمدن الهام علی اف در سال ۲۰۰۳ به ویژه پس از سال ۲۰۱۱ و تشدید شکست سیاست های منطقه

ای ریاض، به سمت قومیت‌گرایی توسعه پیدا کرده است. پروژه‌ی همکاری‌های عربستان سعودی با جمهوری آذربایجان در زمینه‌ی ترویج قوم‌گرایی، اولین پروژه‌ی همکاری‌های امنیتی دو کشور محسوب نمی‌شود. همکاری‌های باکو و ریاض برای توسعه‌ی پان آدریسم و ایجاد فتنه‌ی قومی در ایران نیز به مانند توطئه‌ی توسعه‌ی وهابیت از ابعاد گسترده‌ی برخوردار است.

۵. ابعاد همکاری‌های باکو و ریاض در پیشبرد پان آدریسم

بهره‌گیری از ابزار تفرقه‌ی قومی، یکی از راهبردهای دشمنان ایران است. تعدادی از اندیشکده‌های آمریکایی مانند رند و امریکن اینترپرایز در مورد استفاده از پتانسیل اقوام ایرانی جهت ایجاد اغتشاشات داخلی و استفاده از این گزینه در حمله‌ی احتمالی به ایران و نهایتاً براندازی نظام، تحقیقات و کنفرانس‌هایی برگزار کرده‌اند. گراهام فولر در کتاب قبله‌ی عالم، مسأله‌ی قومیت‌ها را به عنوان پاشنه‌ی آشیل ایران معرفی می‌کند که هرگاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای با ایران درگیر می‌شوند، درصدد استفاده از این اهرم فشار برمی‌آیند (فولر، ۱۳۹۴، ۳۰۱۶). از دیدگاه تئورسین‌های آمریکایی به ویژه نئوکان‌ها، برای ضربه زدن به ایران و تضعیف جایگاه علمی و منطقه‌ای آن، باید از ابزار ایجاد تفرقه‌ی قومی سود جست. براندا شافر، از مستشاران سیا و رئیس مرکز مطالعات خزر در دانشگاه هاروارد، در کتاب «مرزها و برادری» بر لزوم بهره‌گیری از آذریها برای تغییر رژیم در ایران تأکید کرده است. در چنین فضایی بود که به ویژه از دوره‌ی دوم بوش پسر، اقدامات گسترده‌ای از سوی سازمان سیا و پنتاگون برای ایجاد نارضایتی در میان آذریهای ایران در دستور کار قرار گرفت. اولین گام جدی در این روند، تأسیس و تقویت یک شبکه‌ی تلویزیونی تجزیه طلب ضد ایرانی به زبان آذری به نام «گون آذ تی وی» در سال ۲۰۰۵م بود که در شیکاگوی آمریکا مستقر شد و توسط سازمان سیا اداره می‌شود. رئیس این شبکه، احمد اوبالی، می‌باشد که سال‌ها در جمهوری آذربایجان، ترکیه و آمریکا ساکن بوده و به مهره‌ای برای سازمان سیا تبدیل گشته است، فردی که در سابقه‌ی خود توهین به اهل بیت (ع) را دارد. مدتی قبل از تأسیس گون آذ تی وی، آویگدور لیبرمن وزیر امور خارجه‌ی سابق رژیم صهیونیستی در دیدار با دبیرکل ناتو، ضمن تشریح سیاست‌های این رژیم برای بهره‌برداری از جمهوری آذربایجان، از توافق برای تأسیس شبکه‌ی تلویزیونی آذری

زبان خبر داده بود. تأسیس چنین شبکه ای نشان داد که آمریکا علاوه بر حمایت مالی از رسانه های ضد ایرانی، در حوزه ی مسایل قومی، رأساً به تأسیس شبکه های قوم گرا تمایل دارد. از این رو بخش قابل توجهی از بودجه ی ۷۵ میلیون دلاری که کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۶م علیه ایران اختصاص داد، در اختیار گون آذ تی وی قرار گرفت. در همان سال در جریان تحریک احساسات قومی در اعتراض به چاپ کاریکاتوری موهن در یکی از روزنامه های ایران، شبکه ی گون آذ تی وی به عنوان پیاده نظام جنگ روانی آمریکایی- صهیونیستی عمل کرد که البته با هوشیاری مردم استان های آذری نشین این توطئه خنثی شد. اختصاص بودجه ی کنگره ی آمریکا برای تبلیغات ضد ایرانی به شدت افزایش یافته است که بخش اعظمی از آن ویژه ی تحریکات قومی است. ایجاد ناراضیتی قومی در میان آذریهای ایران از طریق سیاه نمایی، تحریف، دروغ پردازی و سوژه سازی و بخصوص سوء استفاده از برخی اشتباهات سهوی، رسالت اصلی رسانه های وابسته به سیا را تشکیل می دهد (کاظمی، ۳۰ آبان ۱۳۹۴).

همسویی شبکه ی آمریکایی گون آذ تی وی با شبکه ی سعودی العربیه برای ایجاد بحران های قومی در ایران، بویژه از سال ۲۰۱۵ به بعد، نشان داد که ریاض در این خصوص با واشنگتن و باکو همکاری می کند. آمریکایی ها برای پیشبرد سیاست تفرقه ی قومی در میان آذریهای ایران، همان طوری که «توماس مک اینری»^۱، معاون سابق ستاد نیروی هوایی این کشور، در مقاله اش در "ویکی استاندرد" توصیه کرده بود، تلاش کردند که از اشتراکات و پتانسیل های موجود در جمهوری آذربایجان برای تحریک آذریهای ایران نیز استفاده نمایند. در این راستا با موافقت دولت باکو، شبکه ی تجزیه طلب گون آذ تی وی در باکو استودیو ی مجهزی تأسیس و آرشیو شبکه ی دولتی جمهوری آذربایجان (آذ تی وی) و همچنین آرشیو های تلویزیون های اجتماعی و فرهنگ این کشور در اختیار این شبکه قرار گرفت. این شبکه با برقراری ارتباط های زنده ی تلویزیونی با نمایندگان مجلس و اساتید آکادمی ملی علوم و فعالان سیاسی، رسانه ای و فرهنگی جمهوری آذربایجان علیه ایران برنامه پخش می کند. در عین حال دهها گروه، حزب و تشکل تجزیه طلب و ضد ایرانی در جمهوری آذربایجان از جمله داک، بزقورد، باب، گاموح، جبهه ی خلق (به اصطلاح) آذربایجان واحد، همبستگی شهروندی، امید و جنبش رستاخیز ملی مستقر شده اند که توسط دفتر منطقه ای آمریکا، موسوم به دفتر امور ایران در باکو، هماهنگ و حمایت

^۱ . Thomas McInroy

می‌شوند؛ آنها زنجیره‌ای از رسانه‌های تجزیه‌طلب را تشکیل داده‌اند که برای پرورش و جذب عناصر قوم‌گرا در مناطق آذری‌نشین ایران فعالیت می‌کنند. «سیمور هرش» روزنامه‌نگار آمریکایی در مقالاتی تحت عنوان «گام بعدی» در نیویورکر فاش ساخته است که سیا و پنتاگون روابط پنهانی با قوم‌گرایان آذری برقرار کرده و از آنها خواسته‌اند طرح‌هایی برای ایجاد تنش در مناطق آذری‌نشین اجرا کنند (Herish, 2006). اسکات رتیر، تئوریسین آمریکایی، در سال ۲۰۰۶ در مقاله‌ای در الجزیره نوشت که سیا و نیروهای ویژه‌ی آمریکا، برای شوراندن آذری‌های ایران، عناصر قوم‌گرا را در جمهوری آذربایجان آموزش می‌دهند. از صدها شبکه که برای ایجاد تفرقه‌ی قومی و مذهبی در ایران فعالیت می‌کنند، برخی نظیر گون آذ تی وی و جان آذ تی وی، ویژه‌ی ایجاد ناراضیتی در میان آذری‌زبانان ایران هستند؛ این شبکه‌ها مأموریت دارند که به صورت روزمره و با دروغ‌پردازی از به اصطلاح ستم تاریخی علیه آذری‌های ایران سخن گفته و از همه‌ی امور حتی بازیهای ورزشی برای تحریکات قومی سوءاستفاده کنند (کاظمی، ۲۱ آبان ۱۳۹۴).

عربستان سعودی با آگاهی از عقبه‌ی همکاری‌های امنیتی جمهوری آذربایجان با آمریکا و رژیم صهیونیستی در زمینه‌ی پیشبرد پان آدریسم، پس از روی کار آمدن ملک سلمان تلاش دارد با ورود به این زمینه، در جبهه‌ی جدیدی علیه ایران فعالیت کند. علیرغم تأکید باکو مبنی بر اینکه همکاری‌های جمهوری آذربایجان با عربستان سعودی علیه کشور ثالثی نیست، اما قراین نشان می‌دهد که در هر دو سفر الهام علی‌اف به عربستان سعودی، ریاض بر سرمایه‌گذاری و تزریق پول به اقتصاد جمهوری آذربایجان در قبال همکاری باکو در مسأله‌ی قومیت‌گرایی تأکید کرده است. رشد تصاعدی کانال‌های قوم‌گرا در شبکه‌های پیام‌رسان اجتماعی، بویژه تلگرام، که IP آنها در عربستان سعودی ثبت شده ولی محتوای آنها توسط فعالان قومی در باکو یا افراد مرتبط با کمیته‌ی دولتی دیاسپورای آذری تأمین می‌شود، نمونه‌ی بارز برای این ادعاست. جالب اینکه علیرغم تضاد ماهوی پان ترکیسم و پان عربیسم، به دلیل نقش اعراب سعودی در سقوط امپراتوری عثمانی، در این کانال‌ها نظیر کانال آراز نیوز، مطالب منفی علیه عربستان سعودی وجود ندارد.

تبلیغ پان آدریسم از طریق جعل تاریخ و حمایت از فعالیت احزاب و رسانه‌های قوم‌گرا به سیاست عملی باکو تبدیل شده است. آمریکا خودداری باکو از تعطیلی استودیوی شبکه‌ی گون

آذ تی وی در باکو و عدم ممنوعیت فعالیت احزاب قوم گرای ضد ایرانی نظیر کنگره ی آذری های جهان (داک)، علیرغم اعتراض های ایران، نشان دهنده ی این موضوع است. مستندات مربوط به همکاری های باکو و رژیم صهیونیستی درباره ی قومیت گرایی آذری، نشان می دهد که جمهوری آذربایجان از هر پیشنهادی در این زمینه استقبال می کند. از این رو باکو پس از حدود دو دهه همکاری امنیتی با ریاض برای ترویج وهابیت، اکنون پروژه ی توسعه ی پان آدریسیم تهاجمی علیه ایران را با مشارکت سعودی آغاز کرده است. همکاری های دو طرف در این خصوص طیف گسترده ای از تبادل اطلاعات، تأمین مالی گروهها و رسانه های قوم گرا، ایجاد کانال های قوم گرا در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، جذب فعالان دارای گرایش های تجزیه طلبانه، القای وجود مسأله ی قومی در ایران از طریق عملیات روانی و فضا سازی رسانه ای، به ویژه در مقاطع انتخابات، تجمع گروه های قوم گرای همسو در داخل و خارج از جمهوری آذربایجان و نهایتاً سوق دادن آنها به فعالیت های نظامی را شامل می شود.

نمونه ی آشکار همکاری های عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان با محوریت عملیات روانی، رویداد بی سابقه ی سر دادن عبارت مجعول (باصطلاح) خلیج عربی در بازی تیم تراکتور سازی و استقلال در آذر ۱۳۹۵ش در ورزشگاه آزادی است که از سوی شبکه های جمهوری آذربایجان، گون آذ تی وی و العربیه پوشش داده شد. تحلیل محتوای رسانه های جمهوری آذربایجان در پنج سال اخیر حاکی از تلاش باکو برای تبدیل کردن تیم ملی تراکتور به یک نماد مطالبه ی قومی است. آنها این گونه القا می کنند: مناطق آذری نشین ایران نه از تیم پیروزی و نه از تیم استقلال بلکه از تیم تراکتور حمایت می کنند و مشابه فوتبال، از لحاظ سیاسی نیز نه راست را قبول دارند و نه چپ را. نمایش شعارهای مجعول، تجزیه طلبانه و پرچم های جمهوری آذربایجان و پرچم های تجزیه طلبانه در برخی از بازی های تیم تراکتور توسط عده ای معدود و انعکاس گسترده ی آن در العربیه، ایران اینترنشنال و گون آذ تی وی از سرمایه گذاری مشترک باکو و ریاض در این زمینه حکایت دارد. احمد علیرضاییگی، نماینده ی مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی ایران، درباره ی سردادن شعار مجعول "خلیج عربی" در ورزشگاه آزادی می گوید: به عنوان نماینده ی مردم می گویم: تبریزی ها به جمهوری اسلامی وفادارند و اگر چنین شعاری هم در ورزشگاه سرداده شده است، حتماً کاری سازماندهی شده و نفوذ کرده در میان تماشاچیان بوده است. اکنون نقطه ی اصطکاک ما با عربستان سعودی پاره ای از مسائل است؛ این شعار

انتخاب می‌شود تا این کشور خودنمایی کند(آناتولی، ۲۰۱۶/۱۲/۱۰). در سال ۱۳۹۲ش، پیش از برگزاری بازی تراکتورسازی-الشباب، شبکه‌ی العربیه، با انتشار تصویری که در آن از نام مجعول خلیج عربی استفاده شده بود، از آذری‌های ایران خواست تا با حضور در ورزشگاه، عبارت مجعول «خلیج عربی» را شعار دهند. در پاسخ به چنین فراخوان‌هایی، تماشاگران ایرانی شعار «خلیج فارس» را در بازی‌ها تیم ایرانی با تیم‌های عربی از جمله بازی صبا - الشّباب سر دادند .

به موازات همکاری رسانه‌های سعودی و باکویی در دامن زدن به مسایل قومی در ایران، مقامات جمهوری آذربایجان نیز بر خلاف رویه‌ی گذشته و با نقض دستورالعمل سازمان ملل متحد از کلمه‌ی مجعول خلیج یا خلیج عربی به جای «خلیج فارس» استفاده کردند. به عنوان نمونه، اواخر آبان ۱۳۹۵ش الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان، در دیدار با گروهی از خبرنگاران خارجی و در پاسخ به تشکر «مهند سلیمان محسن النعمانی»، مدیرکلّ خبرگزاری بحرین، به خاطر تسهیل در صدور روایت (جمهوری آذربایجان برای کشورهای عربی) از عبارت مجعول خلیج استفاده کرد و گفت : « همانطور که اشاره کردید پس از تسهیل روایت برای کشورهای خلیج (فارس)، گردشگرانی که از کشورهای خلیج (فارس) هستند، ده برابر شده‌اند» (azertag, 17.11.2016).

از میان انبوه رسانه‌های تبلیغ‌کننده‌ی پان آدریسم که ۷۵ مورد آن در سایت رسمی «کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورا» جمهوری آذربایجان فهرست وار معرفی شده است، شبکه‌ی تلویزیونی ماهواره‌ای ضدّ ایرانی «گون آذ.تی.وی.» و سایت گروه «داک» فعال‌ترین و مجهزترین این رسانه‌ها هستند(حشمتی، مهر ۱۳۹۵). به موازات توسعه‌ی مناسبات باکو و ریاض، به ویژه از سال ۲۰۱۵م، همسویی شبکه‌ی تکفیری العربیه و ایران اینترنشنال عربستان سعودی با گون آذ تی وی در قوم‌گرایی آشکار شده است. در حالی که سازمان استخبارات سعودی با تأسیس اداره‌ی ویژه‌ی روافض، به جنگ شیعیان آمده و مفتیان وهّابی با لفظ رافضی‌های صفوی، ایرانیان از جمله آذری‌ها را تکفیر و ریختن خونشان را مباح و بلکه واجب اعلام می‌کنند، هم صدایی العربیه- گون آذ تی وی در هتّاکی علیه ایران و مقدّسات تشیّع قابل تأمل است. این هم صدایی در مصادیق مختلفی نظیر همکاری برای تشویق تماشاگرانها در بازی‌های تراکتورسازی به سردادن شعار مجعول خلیج عربی، تلاش برای ایجاد درگیری قومی در ایران به بهانه‌ی جنجال برنامه‌ی «فتیله» در ۱۳۹۴ش، بازنمایی جنجال مربوط به کاریکاتور سوسک در سال ۲۰۰۶،

انتشار اخبار ضد ایرانی العربیه توسط گون آذ تی وی ، سوء استفاده از وضعیت دریاچه ی ارومیه، روز بابک و موارد مشابه خود را نشان داده است. روی دیگر همکاری باکو و رژیم سعودی در زمینه ی پیشبرد پان آدریسم، توسعه ی چشمگیر کانال های تلگرامی در این زمینه و همچنین راه اندازی صفحات اجتماعی است. از جمله ی آنها می توان به کانال به اصطلاح «چهل میلیون تورک» اشاره کرد. آی پی این کانال ها نه در ایران بلکه در عربستان سعودی یا برخی از کشورهای عربی قرار دارند.

در این روند، جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از هر موضوعی که رنگ و بوی قومی در ایران پیدا می کند، سوء استفاده می کنند. استقبال گسترده ی رسانه های جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از موضوع تشکیل فراکسیونی با نام «ترک» در مجلس شورای اسلامی ایران به خوبی این موضوع را نشان داد. روزنامه «ینی مساوات» جمهوری آذربایجان در تحلیلی با عنوان «علت گشایش ترکی ایران» با تأکید بر این که «تشکیل فراکسیون با نام «ترک» در مجلس ایران، واقعه ای مهم در تاریخ یکصد ساله ی اخیر این کشور است.»، زوایای بهره برداری عربستان سعودی از مسأله ی قومیت ها در ایران را این گونه تبیین می کند: "عربستان سعودی ، امکان تأثیرگذاری ایران بر ۲۰ درصد جمعیت شیعه ی عربستان و نیز به قدرت رسیدن جنبش حوثی مورد حمایت ایران در یمن را تهدیدی برای خود می داند. ریاض طی سال های اخیر برای ایجاد خرابکاری در داخل ایران تلاش می کند. قبلاً این خرابکاری ها بیشتر در استان های جنوب شرق و اساساً در مناطق سنّی نشین و به منظور ایجاد درگیری های مذهبی اجرا می شد. اما در عین حال سعودی ها برای ایجاد درگیری قومی در ایران از طریق آذری ها و به طور کلی گروه های قومی این کشور تلاش می کنند. در دوره ی ریاست جمهوری جرج بوش ، حکومت آمریکا هر سال میلیون ها دلار برای گروه های قومی ایران پول اختصاص می داد. به نظر می رسد که اکنون این طرح را عربستان سعودی نیز دنبال می کند. در همین راستا در ماه سپتامبر ۲۰۱۶، یک گروه از نمایندگان حزب (به اصطلاح) استقلال آذربایجان جنوبی از اروپا به عربستان سعودی سفر و با مقامات عالی رتبه از جمله ملک سلمان، پادشاه سعودی، دیدار کردند (Rövşənoğlu,

۶. تحرکات ریاض و باکو برای تقویت و تسلیح گروه‌های قوم‌گرا:

در جمهوری آذربایجان دهها گروه، حزب و تشکل قومیت‌گرای ضد ایرانی مانند داک، گاموح، گاماج، فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، جمعیت مهاجران سیاسی ایرانی، احزاب جبهه‌ی خلق (به اصطلاح) آذربایجان یکپارچه، (به اصطلاح) استقلال آذربایجان جنوبی، حزب همبستگی شهروندی، آناوطن، جبهه‌ی خلق و مساوات، ساختار بزرگ، بزقورد، جبهه‌ی خلق، اتحادیه‌ی (به اصطلاح) آذربایجان واحد (باب)، گروهک ۲۱ آذر، جنبش دموکرات‌های ملی گرا، حرکت (به اصطلاح) بیداری ملی جنوب آذربایجان و ... فعالیت می‌کنند.

در واقع تحریک قوم‌گرایی در مناطق آذری نشین ایران، یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاسی رژیم کمونیستی برای فشار بر تهران بود. این میراث کمونیسم پس از فروپاشی شوروی به سردمداران جمهوری آذربایجان به ارث رسید و این بار، ائلچی بیگ، رییس جبهه‌ی خلق جمهوری آذربایجان که با حمایت غرب، ترکیه و جریان صهیونیسم و با شعارهای پان‌ترکیستی در باکو در سال ۱۹۹۲ به قدرت رسیده بود، پیشبرد این سیاست را به عهده گرفت. نتیجه‌ی آن، تشکیل گروه افراطی قوم‌گرای «داک» (کنگره‌ی آذربایجانی‌های دنیا) در لس‌آنجلس آمریکا بود که بعدها مرکزیت آن به باکو منتقل شد. همچنین در باکو نیز گروه دیگری تحت نام «باب» (به اصطلاح؛ اتحادیه‌ی آذربایجان واحد) با حمایت آشکار حکومت باکو ایجاد شد و این گروه‌ها فعالیت خود را بر روی برگزاری میزگردها و نشست‌های ضد ایرانی و به بهانه‌ی به اصطلاح حمایت از «حقوق مدنی» آذری‌های ایران متمرکز کردند. به موازات فعالیت این گروه‌ها در جمهوری آذربایجان، فضای سیاسی و رسانه‌ای باکو به عرصه‌ی فعالیت و تبلیغات گروه‌های دیگری نظیر «جاماج»، بقایای «فرقه‌ی دموکرات»، گامحمک^۱ (به اصطلاح کمیته‌ی دفاع از جنبش ملی آذربایجان جنوبی)، گاموح و شمار دیگری از این قبیل تشکل‌ها علیه ایران تبدیل شد. حیدرعلی‌اف، رییس جمهوری وقت جمهوری آذربایجان برای متمرکز کردن این فعالیت‌ها، ۵ ژوئیه ۲۰۰۲ کمیته‌ی دولتی امور آذربایجانی‌های ساکن خارج از کشور را تأسیس کرد. به موازات آن نیز هر پنج سال یک بار، گردهمایی بزرگی تحت عنوان «گردهمایی سراسری آذربایجانی‌های دنیا» برگزار شد. الهام‌علی‌اف نیز با تأسیس «شورای هماهنگی آذربایجانی‌های

^۱ . GAMHMK

دنیا» در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸، ریاست خود بر این شورا که شماری از عناصر تجزیه طلب ایرانی نیز در آن عضویت دارند، گام های بعدی را در این راستا برداشت. طی سال های بعد، ارتباطات تشکلی های تحت پوشش کمیته ی دولتی امور آذربایجانی های ساکن خارج که در ۹ نوامبر ۲۰۰۸ به دستور الهام علی اف به کمیته ی دولتی امور دیاسپورا تبدیل شد، با سازمان های صهیونیستی محکم تر و نظام مندتر شد و مأموریت های جدیدتری برای آنها تعریف شده است (حشمتی، مهر ۱۳۹۵).

آن دسته از احزاب قوم گرایی آذری ضد ایرانی که در خارج از جمهوری آذربایجان فعالیت می کنند، با کمیته ی دولتی امور دیاسپورا ارتباط دارند و از حمایت های آن برخوردار هستند. از سال ۲۰۱۵ سازمان های سعودی نیز به واسطه ی باکو به ارتباط گیری با این گروهک های قوم گرا پرداختند تا مأموریت هایی را بر اساس منافع سعودی برای آنها تعریف کنند. پس از سفر فروردین ۱۳۹۴ ش الهام علی اف به عربستان سعودی، تحرکات این گروه ها و پیوند ریاض با آنها تقویت یافته است؛ به طوری که برای اولین بار به طور علنی، ریاض در سپتامبر سال ۲۰۱۶ میزبان تجزیه طلبان آذری شد و صالح ایلدیریم، رییس «حزب (به اصطلاح) استقلال آذربایجان جنوبی» با پادشاه عربستان سعودی دیدار کرد. وی در این خصوص می گوید: «من به عنوان رییس جبهه ی (ائتلاف) ملت ها برای تعیین مقدرات خود» در دیدارهای برنامه ریزی شده در عربستان حضور یافتم، در این دیدارها نمایندگان ملت های ترک، عرب، کرد، بلوچ و ترکمن حضور داشتند. در سطوح بالا و در سطوح وزرا دیدارهای مهمی داشتیم و نهایتاً میهمان شخص شاه شدیم. ملک سلمان ما را در کاخ خود در مکه میهمان کرد. در این دیدارها، موضوع (به اصطلاح) آذربایجان جنوبی را طرح کردیم. به آنها گفتیم که ما را در ترکیب ایران نبینید. ایران دشمن ما نیز است و اراضی ما را نیز اشغال کرده است و ما به عنوان ملل غیرفارس در جنگ با ایران هستیم (amerikaninsezi, Sentyabr 24, 2016). ایلدیریم پس از این دیدار، در مصاحبه با بخش آذری صدای آمریکا به تمایل عربستان سعودی برای ایجاد مسایل قومی در ایران اذعان کرده و گفته است: «دعوت نمایندگان گروه های ترک، عرب، کرد، بلوچ و ترکمن به عربستان سعودی، نشان دهنده ی تغییر نگاه این کشور نفت خیز به ایران و تمایل به حمایت از «ملت های غیرفارس» است. چنانچه انور عشقی، ژنرال امنیتی پیشین عربستان سعودی و رییس مؤسسه ی تحقیقات استراتژیک، به راه انداختن جنبش های استقلال خواهی (جدایی طلبی)

آذربایجان، کردستان، خوزستان، بلوچستان و ترکمنستان در ایران را راهکار حفظ اعراب از خطر ایران خوانده است» (Rövşənoğlu, 03.11.2016).

گروه «گائپ» یا به اصطلاح؛ حزب استقلال آذربایجان جنوبی که رئیس آن با مقامات عربستان سعودی دیدار کرده است، یکی از گروه‌های تجزیه طلب ضد ایرانی مورد حمایت جمهوری آذربایجان است. این گروه در دوره ریاست جمهوری الهام علی اف بر جمهوری آذربایجان، در سال ۲۰۰۴م اعلام موجودیت کرد (davam, 2016). این گروه در مرام نامه ای که در سایت خود منتشر کرده، بر به اصطلاح «استقلال آذربایجان جنوبی» و تشکیل کشوری مجزاً از جمهوری آذربایجان تأکید کرده است (gaip, 26 May 2013). شواهد آشکاری از وابستگی این گروه به باکو وجود دارد که سفرها و حضور پی در پی صالح ایلدیریم، سخنگو یا رییس این گروه در باکو و برگزاری آزادانه ی کنفرانس‌های خبری و مصاحبه با رسانه‌های آذری از جمله نشانه‌های حمایت جمهوری آذربایجان از این گروه است. «گائپ» از طرف کمیته ی دولتی امور دیاسپورای جمهوری آذربایجان به نشست‌ها و همایش‌های رسمی و دولتی باکو در زمینه ی به اصطلاح «آذربایجان گرایی» دعوت شده است. به عنوان نمونه به دنبال دعوت رسمی کمیته ی دولتی امور دیاسپورای جمهوری آذربایجان، گروه «گائپ» در سومین «گردهمایی سراسری آذربایجانی‌های دنیا» در باکو در ژوئیه ۲۰۱۱ شرکت کرد (qafqazinfo, 13 İyul 2011). از دید حقوق بین الملل، دعوت یک گروه تجزیه طلب برای نشست رسمی و دولتی و تکرار این رویه، به معنای شناسایی و مشروعیت بخشیدن به آن گروه می باشد. تحت تأثیر حمایت‌های دولت باکو، «گائپ» در حرکتی نمایشی اعتراضی که به همراه اعضای «مرکز همکاری خلق‌های ترک» در ۱۷ مه ۲۰۱۲ در مقابل سفارت ایران در باکو انجام دادند، شعارهای مداخله جویانه ای همچون «آذربایجان یکی شود، مرکزش تبریز بشود»، سر دادند (Mig, 17 May 2011). با توجه به سوابق مذکور، به نظر می رسد که ارتباطات عربستان سعودی با گروه گائپ با حمایت جمهوری آذربایجان صورت گرفته است. نکته ی مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که در میان گروه‌های قوم‌گرای مورد حمایت جمهوری آذربایجان، عربستان سعودی با آن دسته از گروه‌هایی ارتباط گیری کرده است که تندترین مواضع تجزیه طلبانه را علیه ایران دارند، این موضوع این نظر را تقویت می کند که عربستان سعودی با وارد کردن باکو در بازی خطرناک خود، هدف تسلیح گروه‌های مذکور را دارد، چرا که ریاض تجربه ی طولانی در تسلیح

گروه های تجزیه طلب و تروریستی ضد ایرانی دارد . انتشار برخی از اخبار درباره ی همکاری باکو با ریاض در انتقال تسلیحات بر این دیدگاه دامن می زند .

در این راستا «دیلیانا قایتاندژیوا»^۱، پژوهشگر بلغاری، در مقاله ای در روزنامه ی ترود دیلی^۲ بلغارستان می نویسد: شرکت هواپیمایی سیلک وی^۳ جمهوری آذربایجان ، با پوشش اسناد دیپلماتیک، علاوه بر باکو به سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان، ترکیه و کنگو سلاح حمل می کند. تفاهم نامه های مکتوبی میان وزارت خارجه جمهوری آذربایجان با عربستان سعودی، امارات، ترکیه، بلغارستان و برخی کشورهای اروپایی مبنی بر استفاده از مصونیت دیپلماتیک و پرواز فوق العاده از فراز بلغارستان یا استفاده از راه های هوایی این کشور وجود دارد. این هواپیماها تحت پوشش سوخت گیری، توقف های چند ساعته تا یک روزه در مناطق مختلف دنیا داشته اند. در پی انتشار این مطلب، سفیر آمریکا در صوفیه به سرعت از مقامش برکنار شد. عربستان سعودی نیز از جمله کشورهایی است که مقادیر زیادی سلاح از اروپای شرقی خریداری و با پرواز های دیپلماتیک شرکت هواپیمایی «سیلک وی» جمهوری آذربایجان حمل می کند. طی سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷م، از بلغارستان، صربستان و جمهوری آذربایجان ۲۳ پرواز دیپلماتیک ، به جدّه و ریاض سلاح حمل کرده اند. عربستان سعودی این سلاح ها را برای خود تهیه نمی کند؛ زیرا در ارتش عربستان سعودی فقط از سلاح های تولید کشورهای غربی استفاده می شود و سلاح های خریداری شده از شرکت های مذکور، منطبق با استانداردهای نظامی ارتش عربستان سعودی نیست. به این ترتیب، سلاح هایی که از طریق پرواز های دیپلماتیک خریداری می شود ، به دست تروریست های مورد حمایت عربستان سعودی رسانده می شوند. در فوریه و مارس ۲۰۱۷م ، عربستان سعودی از پرواز های دیپلماتیک شرکت هواپیمایی «سیلک وی» در مسیر فرودگاه های باکو - بلغراد - شاهزاده سلطان - باکو ، ۳۵۰ تن سلاح تحویل گرفته است. در دسامبر ۲۰۱۵ م ، شرکت «سیلک وی» ۱۴ پرواز میان اوستراوا (چک) - اودا (اسرائیل) - ناسوسنی (جمهوری آذربایجان) انجام داده است که در هر یک از آنها ۴۰ تن سلاح حمل شده است. در اسناد مربوط ، نام صادر کننده ذکر نشده است و معلوم نیست که خریدار آن نیز، وزارت دفاع جمهوری آذربایجان است یا نه؟ جالب است که این هواپیما در فرودگاه نظامی «اودا» در جنوب

^۱ . Dilyana Gaytandzhieva

^۲ . Trud Daily

^۳ . SilkWay

اسرائیل، دو ساعت توقف فنی داشته است. در ۲۰۱۷ م، پنج پرواز میان نیچ (صربستان) - اودا (اسرائیل) - ناسوسنی (جمهوری آذربایجان) انجام شده است که در هر پرواز ۴۴ تن بار نظامی بوده است. ارسال کننده ی این محموله، شرکت «ام.اس.ام. مارتین» صربستان و خریدار آن نیز شرکت اسرائیلی «البیت سیستمز» و وزارت دفاع جمهوری آذربایجان بوده است. شرکت هواپیمایی «سیلک وی» به خانواده ی حاکم جمهوری آذربایجان تعلق دارد. این شرکت از جمله زیرمجموعه های «سیلک وی هولدینگ» است. شرکت هواپیمایی «سیلک وی» از مؤسسان «سیلک وی بانک» است که آرزو علی اوا، دختر الهام علی اف، ظریفه حمزه اوا، همسر جهانگیر عسگروف رییس شرکت هواپیمایی دولتی آذال جمهوری آذربایجان، دیگر مؤسسان آن هستند. (meydan.tv, 6 iyul 2017) «دیلیانا قایتانڈیوا» مدتی بعد با تأکید بر این که به دلیل فشار جمهوری آذربایجان بر بلغارستان از روزنامه ی «ترود دیلی» اخراج شده است، از سازمان ملل خواست تا تحقیقات را علیه آذربایجان، بلغارستان، آمریکا، عربستان سعودی و سایر کشورهای ذیربط در این موضوع آغاز کند (Sassounian, 2017).

افشاگری «دیلیانا قایتانڈیوا» درباره ی نقش شرکت سیلک وی جمهوری آذربایجان در انتقال سلاح به تروریست ها در شرایطی است که به دنبال دیدارهای وزیران دفاع آذربایجان و عربستان سعودی و همچنین انعقاد قرارداد خرید تسلیحاتی چند صد میلیارد دلاری میان واشنگتن و ریاض در سفر دونالد ترامپ به عربستان سعودی، برخی از منابع خبری از توافق باکو و ریاض برای فروش سلاحهای آمریکایی به جمهوری آذربایجان توسط عربستان سعودی خبر دادند و پیش شرط آن را همراهی باکو با ریاض در تسلیح گروههای قومی تجزیه طلب و تروریستی ضد ایرانی عنوان کردند. کما اینکه روزنامه ی ینی مساوات نیز با تأیید توافقات تسلیحاتی باکو و ریاض نوشته است: همکاری نظامی عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان و نیز تجارت تسلیحات مورد توجه است (musavat, 30.05.2017). به دنبال رسانه ای شدن این موضوع، زاهد عروج، نماینده ی مجلس جمهوری آذربایجان گفت: مناسبات میان باکو و ریاض، هم در زمینه ی سیاسی و هم نظامی و اقتصادی در سطحی عالی است. ایران نیز به این مناسبات حساس است. آنها نیز به فروش تسلیحات خود علاقه دارند. ما نیز به برقراری مناسبات چندجانبه علاقه مندیم (modern.az, 30.05.2017). این در شرایطی است که اساساً با رویکرد خصمانه ی عربستان سعودی علیه ایران، به نظر می رسد یکی از اهداف ریاض در همکاری با باکو، تسلیح

گروه های قوم گرا می باشد، کما اینکه محمد بن سلمان ولیعهد سعودی، تز کشاندن درگیری و مناقشه به داخل ایران را صریحاً اعلام کرده و دنبال می کند.

نتیجه گیری

مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از سال ۲۰۰۳ وارد مرحله ی جدیدی شده است. در این دوره، روابط باکو و ریاض علاوه بر زمینه های اقتصادی، انرژی و سیاسی؛ طیف وسیعی از همکاری ها برای ترویج وهابیت تا قوم گرایی را شامل می شود. قراین متعددی از همکاری های جمهوری آذربایجان با عربستان سعودی برای پیشبرد توطئه ی «پان آدریسم تنهاجمی» علیه ایران وجود دارد. اساساً جمهوری آذربایجان با تمرکز بر ایجاد هویت تصنعی و تبدیل کردن پان آدریسم و قوم گرایی آذری به یکی از راهبردهای اعمالی خود اقدام به مجموعه اقداماتی نظیر تبلیغات قوم گرایانه در مراکز آموزشی، مدارس و دانشگاهها، تحریف تاریخ با نگاه قوم گرایانه در کتب درسی، تولید محتوای مجعول چند رسانه ای، ایجاد نهادهای رسمی حمایت از قوم گرایی با محوریت کمیته ی دولتی امور دیاسپورا، ایجاد یا تسهیل فعالیت شبکه های رسانه ای و گروه های قوم گرا در داخل و خارج از جمهوری آذربایجان کرده است. می توان گفت پس از فروپاشی شوروی، باکو همسو با رویکرد هویت سازی جدید، ساختار سازی و شبکه سازی پان آدریسم را به طور جدی در دستور کار قرار داده است و این رویکرد ریشه ی اصلی اقدامات ضد ایرانی جمهوری آذربایجان را تشکیل می دهد.

اصرار بر ایجاد هویت ساختگی و مغایر با واقعیات تاریخی و تعریف منافع و رویکردها بر اساس این هویت تصنعی، وجه مشترک میان جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی در قبال ایران محسوب می شود. رویکرد عربستان سعودی هویت خود را بر مبنای وهابیت تکفیری تعریف کرده است، و از منظر نظریه ی سازه انگاری، رویکردهای سیاست خارجی خود را بر این اساس ترسیم کرده و در نتیجه، منافع اش را در مقابله با اسلام شیعی، ایران هراسی، تضعیف محور مقاومت و همسویی با قدرتهای غربی می بیند. رویکرد تحمیل هویت وهابی سعودی به جهان اسلام و معرفی ریاض به عنوان نماینده ی اهل تسنن به ویژه پس از روی کار آمدن ملک سلمان بن عبدالعزیز و انتصاب محمد بن سلمان به وزارت دفاع و ولیعهدی، دچار شکست های پی در پی شده است. ریاض به دلیل سرخوردگی از شکست سیاست های منطقه ای خود، رویکرد

تخاصم آمیز علیه ایران اسلامی اتخاذ کرده است و در این روند ایجاد بحران و تنش در مناسبات ایران با همسایگان خود، علنی کردن حمایت از منافقین، ایجاد ائتلاف ضد ایرانی، ناتوی عربی، حمایت از ایجاد ائتلاف دریایی علیه ایران در خلیج فارس و همچنین استفاده از ابزارهای قومی را در دستور کار خود قرار داده است.

عربستان سعودی که سابقه ی بیش از دو دهه همکاری امنیتی با جمهوری آذربایجان برای توسعه ی وهابیت در این کشور را دارد، به دلایل مختلفی به توسعه ی توطئه ی پان آدریسم گرایش پیدا کرده است. ریاض با آگاهی از عقبه ی همکاری های امنیتی جمهوری آذربایجان با آمریکا و رژیم صهیونیستی در زمینه ی پیشبرد پان آدریسم، پس از روی کار آمدن ملک سلمان تلاش دارد با ورود به این موضوع، تحرک جدیدی به فعالیت های تجزیه طلبانه علیه ایران بدهد. قراین متعددی نشان می دهد که در دو سفر الهام علی اف به عربستان سعودی در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶، ریاض بر سرمایه گذاری و تزریق پول به اقتصاد جمهوری آذربایجان در قبال همکاری باکو در مسأله ی قومیت گرایی با محوریت تسلیح برخی از گروه های قوم گرا تأکید کرده است. ابعاد همکاری های باکو و ریاض در این خصوص محورهای گسترده ای نظیر تبادل اطلاعات، تأمین مالی گروه ها و رسانه های قوم گرا، ایجاد کانال های قوم گرا در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی پیام رسان به ویژه تلگرام، جذب فعالان دارای گرایش های تجزیه طلبانه، القای وجود مسأله ی قومی در ایران از طریق عملیات روانی، به ویژه در مقاطع انتخابات، تبدیل کردن نمادهای ورزشی به سمبول های قوم گرایی، تجمیع گروه های قوم گرای همسو در داخل و خارج از جمهوری آذربایجان و نهایتاً سوق دادن آنها به فعالیت های نظامی را شامل می شود. در این موارد، عربستان سعودی روی پتانسیل های جمهوری آذربایجان حساب باز کرده است. در میان گروه های قوم گرای ضد ایرانی مورد حمایت جمهوری آذربایجان، عربستان سعودی با آن دسته از گروه هایی ارتباط گیری کرده است که افراطی ترین مواضع تجزیه طلبانه را علیه ایران دارند. این موضوع این نظر را تقویت می کند که ریاض، هدف تسلیح گروه های مذکور را دارد. این کشور تجربه ی طولانی در تسلیح گروه های تجزیه طلب و تروریستی ضد ایرانی دارد. انتشار برخی از اخبار درباره ی همکاری باکو با ریاض در انتقال تسلیحات از طریق شرکت هواپیمایی «سیلک وی» جمهوری آذربایجان و با پوشش پروازهای دیپلماتیک، بر این دیدگاه دامن می زند.

دیدار صالح ایلدیریم، رئیس «حزب استقلال (به اصطلاح) آذربایجان جنوبی» موسوم به «گائپ» با ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی در سال ۱۳۹۵ مؤید ارتباط گیری عربستان سعودی با گروه های شوونیستی با اهداف خاص با استفاده از پتانسیل های باکو است؛ چرا که «گائپ» مورد حمایت جمهوری آذربایجان می باشد و علیرغم داشتن مواضع آشکار تجزیه طلبانه علیه ایران، از طرف کمیته دولتی امور دیاسپورا جمهوری آذربایجان به نشست ها و همایش های رسمی و دولتی باکو در زمینه ی به اصطلاح «آذربایجان گرایی» دعوت شده است. از منظر حقوق بین الملل ، حتی نام این گونه احزاب و تشکل هایی که در جمهوری آذربایجان فعالیت می کنند یا مورد حمایت آن قرار می گیرند، بی احترامی به تمامیت ارضی یک کشور عضو سازمان ملل بوده و مغایر با منشور و قواعد بنیادین حقوق بین الملل می باشد که طبیعتاً مسئولیت بین المللی دولت باکو را ایجاد می کند.

مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه العالی) در سال ۱۳۸۵ش، تلاش دشمنان برای تحریکات قومی و مذهبی را آخرین تیر ترکش آنان بر ضدّ نظام و مردم و تفرقه افکنی را جزء سیاست های قطعی دشمن خواندند و تأکید فرمودند: سابقه ی درخشان و غرور آفرین ملت ایران در حمایت از تشیع و تمامیت ارضی ایران، کینه ی عجیبی در دل دشمنان ایران اسلامی ایجاد کرده است. نگاهی به اقدامات حماسه آفرین آذریها در بستر تاریخ ایران نظیر نبرد چالداران در مقابل تجاوز ترک های عثمانی ، مبارزه ی آنها در برابر تجاوز نظامی قشون روس، نقش برجسته شان در انقلاب مشروطیت، ایجاد جنبش مردمی آزادستان به رهبری شیخ محمد خیابانی در اعتراض به سرقت نام آذربایجان ایران توسط مساواتیان باکو ، حضور مؤثرشان در انقلاب اسلامی و خلق حماسه ی ۲۹ بهمن و رشادت های مثال زدنی در جریان هشت سال جنگ تحمیلی نشان داده است که آذربایجان همان طوری که مقام معظم رهبری فرمودند سرّ ایران است. در واقع به تعبیر معظم له دشمنان این ملت مانند همیشه با تحلیل غلط در منطقه ای گام گذاشتند که محور و صاحب انقلاب است.

عربستان سعودی طیّ سال های اخیر پی در پی هزینه های سیاست های غلط خود را با شکست های جدید داده است و این تقریباً به رویه تبدیل شده است اما ورود باکو به این روند می تواند تبعات خطرناکی برای تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان داشته باشد . جمهوری آذربایجان یک بار در سال ۱۹۹۳ به دلیل پیگیری ایده ی پان آدریسم و شوونیسم شاهد تشکیل

دو منطقه‌ی جدایی طلب در جنوب و شمال خود با محوریت جمهوری‌های خودخوانده‌ی لژگستان و تالش - لنکران شد. تکرار این سیاست توسط جمهوری آذربایجان کثیرالمّله که نارضایتی‌های زیادی در میان اقوام مختلف آن نظیر تالش‌های با بیش از یک میلیون جمعیت، لژگی‌ها، آوارها، اودین‌ها، کردها و غیره وجود دارد، می‌تواند در ابعادی حتی بیشتر از مناقشه‌ی قرا باغ، تمامیت ارضی این کشور را به مخاطره بیندازد. امپراتوری عثمانی با آن همه قدرت خود به واسطه‌ی اعتماد به اعراب سعودی و تحت تأثیر اقدامات مناطق عرب نشین، امپراتوری‌ای که با هدایت انگلیس صورت می‌گرفت، تجزیه شد و دور از ذهن نیست که تداوم پان آدریسم مورد حمایت ریاض، منجر به چندپارگی جمهوری آذربایجان شود. پایه‌گذاری رویکرد جمهوری آذربایجان بر اساس قوم‌گرایی ضد ایرانی و نهاد سازی گسترده برای این راهبرد، باعث تمایل بازیگران متخاصم یا رقیب با ایران نظیر عربستان سعودی برای استفاده از پتانسیل‌ها شده است که تداوم آن با توجّه به کثیرالمّله بودن جمهوری آذربایجان بر وحدت ملّی در این کشور آسیب خواهد زد.



منابع :

الف (فارسی

۱. احمدی، حسین؛ دادگر، سیاوش (۱۳۹۵)، *جمهوری آذربایجان: ۲۳ سال تکاپو برای دولت و ملت سازی*، تهران، نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۲. *آنا تولی* (۲۰۱۶/۱۲/۱۰)، سردادن شعار عجیب خلیج عربی در بازی فوتبال دو تیم در ایران، قابل دسترسی در : <http://aa.com.tr/fa/703359>
۳. حاجی یوسفی ، امیر محمد (۱۳۸۳) ، «آمریکا و عربستان سعودی پس از اشغال عراق: سیاست پیشگیری دموکراتیک» ، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه* ، سال یازدهم ، شماره ۱
۴. حشمتی، برهان (مهر ۱۳۹۵) ، *بررسی گروه ها و تشکل های پان آذریستی ضد ایرانی در جمهوری آذربایجان*، پژوهش های کاربردی برون مرزی صداوسیما
۵. حشمتی، برهان (۲۳ فروردین ۱۳۹۴) ، «همکاری های تبلیغاتی و دینی باکو و ریاض»، *پژوهش های کاربردی*، قابل دسترسی در : <http://arc.irib.ir/i327>
۶. خاورمیانه (۱۳۹۵)، *نقش وزارت امنیت ملی آذربایجان در تامین نیرو برای داعش*، کد ۱۲۴۴۳۱۴۸
۷. سرحدچی، محمد (۱۳۹۴)، *آزادی وجدان در جمهوری آذربایجان*، تهران، نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۸. فولر، گراهام (۱۳۹۴) ، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران* ، ترجمه عباس مخیر ، چاپ هفتم، تهران ، نشر مرکز
۹. کاظمی ، احمد (۱۳۸۵) ، *پان ترکیسم و پان آذریسم* ، تهران ، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر
۱۰. کاظمی، احمد (۳۰ آبان ۱۳۹۴) ، *تفرقه قومی؛ آخرین تیر ترکش دشمن* ، روزنامه جام جم، شماره ۴۴۱۲
۱۱. کاظمی، احمد (بهار ۹۶) ، «باکو، تل آویو: هدف گذاری ایجاد پایگاه منطقه ای صهیونیسم»، *هفته نامه همدلی اردبیل*، شماره چهاردهم

۱۲. کرمی، کامران (۹۵/۰۵/۰۷)، *کالبد شکافی راهبرد ضد ایرانی عربستان سعودی*، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۸۲۴
۱۳. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴) *تحول در نظریه های روابط بین الملل*، تهران، انتشارات سمت
۱۴. واحدی، الیاس (۵ دی ۱۳۹۴)، *اقوام ایرانی و سیاست خارجی؛ تهدید یا فرصت؟* موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
۱۵. ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، *نظریه اجتماعی سیاست بین الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
۱۶. هانتر، شیرین (۱۳۸۰)، *آینده اسلام و غرب برخورد تمدن: ها یا همزیستی مسالمت آمیز*، ترجمه همایون مجد، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز
- (ب) انگلیسی و لاتین آذری
1. amerikaninsesi, (Sentyabr 24, 2016), *Saleh İldırım: Səudiyyə liderlərinə dedik, bizi İran çərçivəsində görməyin*, Ətraflı: <http://www.amerikaninsesi.org/a/saleh-ildirim/3521972.html>
 2. *azertag*,(2017), Ətraflı: http://azertag.az/xeber/Seudiyye_Arebistani_Kralliginin_Veliehdil_Bas_nazirin_muavini_mudafie_naziri_Alahezret_Mehemmed_bin
 3. davam,(2016), *Güney Azərbaycan təşkilatları*. Ətraflı: <http://davam.az/print:page,1,2494-gney-azrbaycan-tilatlar.html>
 4. *mct.gov*,(2017), Ətraflı: <http://mct.gov.az/news-details?id=2343>
 5. meydan.tv, (06 iyul 2017), *Azərbaycan hakimiyyəti terroristlərə silah daşıyır?*, Ətraflı: <https://www.meydan.tv/az/site/politics/24015>
 6. president.az, (18 yanvar 2017), *İlham Əliyev Səudiyyə Ərəbistanının energetika, sənaye və təbii sərvətlər naziri ilə görüşüb*, Ətraflı: <http://www.president.az/articles/22504>
 7. qafqazinfo,(13İyul2011), *Güneyli partiya sədri YAP-dan inciyib*. Ətraflı: <http://www.qafqazinfo.az/siyaset-2/guneyli-partiya-sedri-yap-dan-inciyib-1670>
 8. Price, Richard and Christian Reus-Smith. 1998. "Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivist". *European Journal of International Relation*. Vol. 4. No.3.

9. Rothman ,Suzanne Sulika (2014), *Why Azerbaijani-Saudi relations are improving*, Available from: <https://en.trend.az/azerbaijan/2275611.html>
10. PanARMENIAN.Net,(2019), *Saudi Arabia will financially sponsor Armenian Genocide resolution in U.S*, Available from: <http://www.panarmenian.net/arm/news/268205/>
11. Sassounian, Harut (2017), *Azerbaijan Forces Bulgaria to Fire Reporter Who Exposed Arms Shipments to Terrorists*, Available from: <https://armenianweekly.com/2017/08/29/dilyana-gaytandzhieva-fired/>
12. mod.gov.az,(2019), *Azərbaycan və Səudiyyə Ərəbistanı orduları arasında əlaqələrin inkişaf perspekti*, Ətraflı: <https://mod.gov.az/az/news/azerbaycan-ve-seudiyye-erebistani-ordulari-arasinda-elaqelerin-inkisaf-perspektivleri-muzakire-edilib-26378.html>
13. AZƏRTAC,(15 mart 2019), *Prezident İlham Əliyev Kral Faysal Araşdırma və İslami Tədqiqatlar Mərkəzinin İdarə Şurasının sədrini qəbul edib* , Ətraflı: <https://azertag.az/1258874>
14. modern.az, (14 Aprel 2019), *Azərbaycançılıq ideyalarına xidmət edən istənilən layihə maliyyələşdiriləcək*, Ətraflı: <https://modern.az/az/news/197795>
15. Miq,(17May2012), *GAİP İran səfirliyinə etiraz etdi*. Ətraflı:<http://miq.az/az/gaip-ve-atxem-iran-sefirliyi-nunde-aksiya-keciridi/>
16. gaip, (26 May 2013), *GÜNEY AZƏRBAYCAN İSTİQLAL PARTİYASININ ƏSASNAMƏSİ*, Ətraflı: <http://www.gaip.biz/index.php/esasname/81-x-b-rl-r/84-guenez-azrbaycan-istiqlal-partiyas-n-n-sasnam-si>
17. Rövsənoğlu, Kənan(03.11.2016), *İranın “Türk açılımı”nın səbəbi*, Ətraflı: http://musavat.com/news/siyaset/iranin-turk-achiliminin-sebebi_389821.html
18. azertag.az, (27.04.2016), *Azərbaycan Prezidenti İlham Əliyev Səudiyyə Ərəbistanı Krallığının mədəniyyət və informasiya nazirini qəbul edib*, Ətraflı: http://azertag.az/xeber/Azerbaycan_Prezidenti_Ilham_Aliyev_Seudiyye_Arebistani_Kralliginin_medeniyyet_ve_informasiya_nazirini_qebul_edib-946464
19. azertag, (17.11.2016), *Azərbaycan Prezidenti İlham Əliyev Dünya Xəbər Agentliklərinin V Konqresinin iştirakçılarının bir qrupunu qəbul edib*, Ətraflı:

- http://azertag.az/xeber/Azərbaycan_Prezidenti_Ilham_Aliyev_Dunya_Xeber_Agentliklerinin_V_Konqresinin_istirakchilarinin_bir_qrupunu_qebul_edib_YENILANIB_5_VIDEO-1011176
20. Koerner, Claudia(Mar. 21, 2017), *Hundreds Of 9/11 Victims And Their Family Members Are Suing Saudi Arabia*, Available from : https://www.buzzfeed.com/claudiakoerner/911-victims-sue-saudi-arabia?utm_term=.cuj0D5Pyp#.qiMEO6me1
21. azertag.az, (27.04.2017), *Xalid Əbdüləziz Əl Falih: "SAAB", "Maaden" kimi nəhəng şirkətləri Azərbaycana investisiya qoymağa həvəsləndirəcəyik*, Ətraflı: http://azertag.az/xeber/Xalid_Abduleziz_Al_Falih_SAAB_Maaden_kimi_neheng_sirketleri_Azərbaycana_investisiya_qoymaga_heveslendireceyik-1054905
22. azertag.az, (05.04.2017), *Azərbaycanla Səudiyyə Ərəbistanı arasında hərbi-texniki əməkdaşlıq məsələləri müzakirə olunub*, Ətraflı: <http://azertag.az/xeber/1048250>
23. TURAN, Cavid (20.05.2017), *"Azərbaycanın "İslam NATO"suna qoşulmasını bizə heç kim qadağa edə bilməz"*, Ətraflı: http://musavat.com/news/azerbaycanin-islam-nato-suna-qosulmasini-bize-hec-kim-qadaga-ede-bilmez_439754.html
24. modern.az, (30.05.2017), *Səudiyyə Ərəbistanı Amerika silahlarını Azərbaycana satacaq?* , Ətraflı: <http://modern.az/az/news/134182#gsc.tab=0>
25. musavat, (30.05.2017), *Azərbaycanı "İslam NATO-su"na çağıran ölkənin hərbi naziri Bakıya gəlir*, Ətraflı: http://musavat.com/news/azerbaycani-islam-nato-su-na-cagiran-olkenin-herb-naziri-bakiya-gelir-muhum-gelisme_442280.html
26. musavat, (14.06.2017), *Bakı seçimlə üz-üzə - cəbhə xətti sərhədimizə yaxınlaşır*, Ətraflı: http://musavat.com/news/baki-secimle-uz-uzecbhe-xetti-serhedimize-yaxinlasir_446367.html
27. azertag.az, (07.02.2017), *Əli Həsənov: Azərbaycan 2017-ci ildə İslam dünyasının diqqət mərkəzində olacaq*, Ətraflı: <http://azertag.az/xeber/1033206>
28. axar.az,(2019.05.01), *Təbriz silkələnir: hamı piyada gəlir*, Available from: <https://axar.az/news/idman/370454.html>
29. Hersh, Seymour,(2006), Last Stand, The New Yorker, July 10 & 17, 2006 Issue